

آگاهی فراشناختی، ابعاد درک معنای ضمنی و رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل: مطالعه‌ی ذهنیت دانشجویان حسابداری

مرضیه شریعتی

دانشجوی دکتری گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

فریدون رهنمای رودپشتی

استاد و عضو هیئت علمی گروه حسابداری و مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)
rahnama.roodposhti@gmail.com

قدرت الله طالب نیا

دانشیار و عضو هیئت علمی گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

رمضانعلی رویایی

استادیار و عضو هیئت علمی گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۳۱

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی امکان‌پذیری توانمندسازی رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت از طریق آگاهی فراشناختی بوده است. به این منظور متغیر آگاهی فراشناختی به عنوان متغیر مستقل و ابعاد ارزشگذاری، فعالیت و قدرت درک معنای ضمنی به عنوان متغیر میانجی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل به عنوان دو متغیر وابسته وارد الگو شده‌اند. این تحقیق بر روی دانشجویان ارشد و دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران که درس حسابداری مدیریت را گذرانده‌اند در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ انجام شد. برای روایی سازه از تحلیل عاملی تأییدی و برای آزمون فرضیات از تحلیل مسیر در نرم‌افزار پی‌ال‌اس استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که توانمندسازی رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور از طریق تأثیر آگاهی فراشناختی بر ابعاد ارزشگذاری، فعالیت و قدرت درک معنای ضمنی امکان‌پذیر است. اما توانمندسازی رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در عمل فقط از طریق تأثیر بر ابعاد ارزشگذاری و فعالیت درک معنای ضمنی امکان‌پذیر است.

واژه‌های کلیدی: فراشناخت، درک معنای ضمنی، بعد ارزشگذاری، بعد فعالیت، بعد قدرت، تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت، آنچه هست، آنچه باید باشد.

۱- مقدمه

تصمیم‌گیری و مدل‌سازی برای آن از موضوعات مورد توجه و جالب در علوم اجتماعی بوده است. مدیران سازمان‌ها برای رسیدن به اهداف سازمان تصمیماتی را اخذ می‌کنند و واضح هست که توان رقابت و بقای سازمان به تصمیم مدیران آن بستگی دارد. اما باید دانست که در اخذ این تصمیم صرفاً مدیر نقش ندارد. در واقع سازمان متشکل از مجموعه‌ای از تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان است که می‌توانند با هم‌افزایی شرایط بقا و رشد سازمان را در هر محیط و زمانی فراهم آورند.

با تغییر محیط کسب و کار، تصمیم‌گیری استراتژیک برای بقا در محیط رقابتی ضرورت پیدا کرده است. این تغییر نیاز به داشتن کارمندان توانمند را بیش از پیش آشکار می‌کند. در این پژوهش منظور از کارمندان توانمند، حسابداران مدیریتی است که قدرت تصمیم‌گیری دارند. حسابداران مدیریتی با توانایی اثرگذاری و تصمیم‌سازی برای سازمان نقش مهمی در سیاست‌های آن را می‌توانند ایفا کنند. چگونگی این امر در ابزار ساخته شده به دست آنهاست. ابزاری که حسابداران مدیریتی می‌سازند، بازتابی از نگرش آن‌ها از اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری و توانمندی آنها در استفاده از دانش روز برای ساخت ابزار مفید است. بدیهی است که اطلاعات مفید متضمن بقای سازمان اهمیت و بقای حرفه‌ی حسابداری مدیریت است. با این وجود تنها با مطالعه‌ی رفتارهای ظاهری تصمیم‌گیرندگان نمی‌توان علل استراتژی‌های سازمان را توضیح داد. زیرا سازمان متشکل از تصمیم‌گیرندگانی است که استراتژی‌های سازمان در ذهن و عمل آنها تعیین می‌گردد. در این میان تأثیر دانش، ساختار شناختی و انگیزه‌ی حسابداران مدیریتی بر رفتار تصمیم‌گیری آنها به عنوان عضوی از سازمان را نمی‌توان نادیده گرفت. دور از ذهن نیست که حسابداران مدیریتی با بصیرت، دانش و با انگیزه توان سوق دادن سازمان به سوی اهداف والا را دارند. این امر، توجه ما را به سمت توانمندسازی رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریتی و ضرورت مطالعه‌ی عوامل ذهنی مؤثر بر آن جلب می‌کند. طبق آنچه گفته شد علاوه بر عوامل بیرونی، عوامل درونی و ذهنی نیز بر رفتار تصمیم‌گیری تأثیرگذار است. بنابراین مطالعه‌ی این عوامل ذهنی در این تحقیق به ما کمک می‌کند تا به عوامل مؤثر بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریتی در ایران که به نوبه‌ی خود می‌تواند علت موفقیت سازمان باشد، دست پیدا کنیم. در نهایت در این پژوهش ما به دنبال یافتن چرایی رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریتی به عنوان یک عضو تصمیم‌ساز در سازمان هستیم.

شناخت و دانستن فرآیند تصمیم‌گیری حسابداران مدیریتی برای آگاهی از چرایی موفقیت سازمان ضرورت دارد. در این پژوهش موفقیت سازمان در گرو توانمندی کارکنان آن دیده می‌شود. حسابداران مدیریتی توانمند باید قدرت ابزارسازی برای تصمیم‌گیری بهینه با توجه به عوامل ریسک، عایدی، شرایط محیطی و زمان را داشته باشند (وکیلی‌فرد و وکیلی‌فرد، ۱۳۸۹). به این معنا که هرچه شناخت حسابداران مدیریتی به عنوان عضو مؤثر در سازمان از این عوامل بیشتر باشد، ابزار ساخته شده به دست آنها اطلاعات مفیدتری را برای بقا و رشد سازمان در محیط رقابتی فراهم می‌آورد. بنابراین آنچه گفته شد می‌توان گفت، توانایی تصمیم‌گیری حسابداران مدیریتی به شناخت و ساختار شناختی آنها بستگی دارد. به طوری که ساختار شناختی حسابداران، چارچوب فکری آنها را تعیین می‌کند (پارسائیان، ۱۳۹۱) و شناخت محدود حسابداران مدیریتی می‌تواند ریسک تصمیم را افزایش داده و تفاوت ساختار شناختی می‌تواند بر روی تصمیم بهینه آنها و موفقیت سازمان اثر گذارد. بنابراین بسط چارچوب فکری از طریق افزایش شناخت، ریسک تصمیم‌گیری را کاهش می‌دهد. برای درک بهتر موضوع، فرض کنید مسیری را با دوچرخه رکاب می‌زنید. برای این که بتوانید تمام مسیر را بدون اشتباه و دردسر طی کنید، باید علاوه بر مهارت اولیه دوچرخه‌سواری شناخت کاملی از مسیر، وضعیت آب و هوا، و مکانیزم دوچرخه و... داشته باشید. تاریک شدن هوا درک ما را از واقعیت تحت تأثیر قرار می‌دهد. نمی‌توان با اطمینان کامل موقعیت فعلی را درک و شرایط آبی را پیش‌بینی کرد. از طرف دیگر تغییر مسیر و شرایط جوی، خراب شدن دوچرخه نیازمند تعدیل تصمیم در شرایط قبل است. شرایط مبهم و تغییر در شرایط، دردسرافزین و نشان‌دهنده‌ی نیاز به افزایش مهارت تصمیم‌گیری و لزوم ابزارهای اندازه‌گیری مناسب برای افزایش توان تصمیم‌گیری ما در شرایط نامطمئن است. در محیط بازار برای کارایی نیازمند اطلاعات کامل هستیم. سازنده‌های ابزار اطلاعاتی نقش تصمیم‌ساز را در این محیط دارند. به طوری که تصمیمات نادرست و پیامدهای ناخواسته‌ی آن در سازمان ممکن است نتیجه‌ی اطلاعات و ابزارهای اطلاعاتی تهیه شده با دقت ناکافی و سوءتعبیر و درک نادرست از اطلاعات مفید باشد. ابزارسازان (حسابداران مدیریتی) که رابط بین محرک (اطلاعات) و پاسخ (تصمیم تصمیم‌گیرنده) هستند با انتخاب‌های خود نقش حیاتی برای سازمان‌ها در محیط رقابتی و مقاومتی ایفا می‌کنند.

یکی از عوامل محدود کننده‌ی شناخت فرد به طور کلی ساختار زبان شناختی اوست. به این معنا که نسبت گرای زبان-

عوامل ظاهری و ذهنی هر دو می‌توانند بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت مؤثر باشند. تحقیقات گذشته به نقش عوامل محیطی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت و نقشی که در سازمان ایفا می‌کنند پرداخته است. در این تحقیق به این موضوع پرداخته شده که در تصمیم‌گیری علاوه بر عوامل محیطی که در تحقیقات پیشین مورد مطالعه قرار گرفته است، عوامل ذهنی و شناختی فرد به عنوان حسابدار مدیریت نیز می‌تواند نقش مؤثری در رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت داشته باشد.

در حقیقت، به منظور توانمندسازی حسابداران مدیریت در سازمان در درجه‌ی اول حسابداران باید خودشان این موضوع را بفهمند که مسائل حسابداری ممکن است دارای یک راه حل روشن نباشند. شرایط واقعی زندگی از مشتری به مشتری و سال به سال تغییر می‌کند (شلیفر و دال، ۲۰۰۹). به این معنا که در دنیای همواره در حال تغییر امروز حسابداران مدیریت به منظور یافتن تصمیم و راه حل بهینه باید همواره دانش و چارچوب فکری خود را گسترش دهند. دانستن این موضوع به تغییر نقش حسابداران مدیریت از کنترلر به تصمیم‌گیرنده در سازمان کمک می‌کند. اگرچه عوامل محیطی می‌تواند نقش مؤثری بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت داشته باشد (عبدالقادر^۸ و لوتر^۹، ۲۰۰۶)، ذهنیت حسابداران مدیریت می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل ایفا کند. این عامل می‌تواند نقش مهمی در موفقیت سازمان در کشورهای در حال توسعه داشته باشد.

مدیران برای موفقیت سازمان باید قدرت حل مسئله داشته باشند. قدرت حل مسئله در هر شرایط به دانش فرد از اطلاعات موردنیاز برای انجام کار، اعتقاد فرد درباره‌ی چگونگی کار و دانش درباره‌ی این که در چه زمان و چرا استراتژی‌های مختلف را به کار می‌برد بستگی دارد. فراشناخت دانش چپستی، چگونگی و چرایی شناخت فرد است. حسابداران مدیریت با توجه به توانمندی فراشناختی خود ابزار اطلاعاتی سازمان را خلق و اطلاعات را در اختیار مدیران قرار می‌دهند.

تحقیقات پیشین نشان داده است که فراشناخت می‌تواند بر قضاوت و تصمیم‌گیری فرد مؤثر باشد (مهدیانی، رجایی پور و عابدینی، ۱۳۹۲؛ گرمالدی، لو و باسو^{۱۰}، ۲۰۱۵؛ کالینز، کارسون، کالینز^{۱۱}، ۲۰۱۶). از آنجا که این تحقیقات در حوزه‌های دیگر دانش صورت گرفته است نمی‌توان نتایج این تحقیقات را برای حوزه‌ی حسابداری مدیریت به طور کامل مربوط دانست. در این‌جا مطالعه‌ی آگاهی فراشناختی حسابداران مدیریت برای شناسایی عوامل ذهنی مؤثر بر تغییر نقش حسابداری مدیریت صورت گرفته است. بر این اساس

شناختی نیز رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت را با ایجاد چارچوب فکری در ذهن حسابداران مدیریت و محدود کردن ساختار شناختی آنها تحت تأثیر قرار می‌دهد (پارسائیان، ۱۳۹۱). اگر حسابداری را به عنوان زبان تجارت دارای مفاهیم مختص خود بدانیم؛ تهیه‌کنندگان و استفاده‌کنندگان مفاهیم حسابداری با ویژگی‌های متفاوت، دارای زبان متفاوت بوده و نیز درک متفاوت از مفاهیم دارند (هرید، ۱۹۷۲). درک متفاوت از مفاهیم زمینه را برای قضاوت و تصمیم‌گیری متفاوت ایجاد می‌کند. اگرچه تحقیقات حسابداری در این زمینه بیشتر به معنای صریح مفاهیم حسابداری و کیفیت ارتباطات ناشی از آن پرداخته است اما برخی محققان معتقدند تا زمانی که درک استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری از معنای ضمنی مفاهیم متفاوت باشد، کیفیت ارتباط کاهش می‌یابد و مسئولیت حسابداران در این مواقع رسیدگی به این موضوع برای بهبود ارتباطات است. محققان معتقدند که تحقیق در زمینه‌ی درک معنای ضمنی مفاهیم حسابداری بسیار کم است (هرید^۱، ۱۹۷۳ و الیور^۲، ۱۹۷۴) و این عامل می‌تواند کیفیت اطلاعات را تحت تأثیر قرار دهد.

بنابر آنچه گفته شد شرکت‌ها برای موفقیت در محیط همواره در حال تغییر کنونی نیازمند حسابداران مدیریت توانمند در تصمیم‌گیری هستند. بنابراین باید به عوامل مؤثر و موردنیاز برای توانمندسازی حسابداران مدیریت در سازمان توجه داشته باشند. از این رو مدیریت منابع انسانی نیز به توانمندسازی کارمندان توجه ویژه دارد (کیو و همکاران^۳، ۲۰۰۱؛ فورزا^۴، ۱۹۹۶؛ شاه و وارد^۵، ۲۰۰۳؛ تیلما و وان در ستین^۶، ۲۰۱۵). به عبارت دیگر حسابداران مدیریت باید به توان تصمیم‌گیری بهینه برای موفقیت سازمان دست پیدا کنند. از آنجا که عوامل محیطی در هر فرهنگ ابزارهای خود را به صورت محدود تعریف می‌کند، دز این تحقیق برآنیم با معرفی عوامل ذهنی مؤثر بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت، عامل بسط چارچوب فکری حسابداران مدیریت را مطالعه کنیم.

حسابداران مدیریت در واقع با ابزارسازی درباره‌ی اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری، تصمیم می‌گیرند. در حال حاضر گفته می‌شود با وجود دستاوردهای نوین فن‌آوری اطلاعات، سیستم‌های اطلاعات حسابداری پشتیبان تصمیم‌گیری رشد چندانی نداشته‌اند و شرکت‌های نیازمند به استفاده از این‌گونه اطلاعات، در حال حاضر صرفاً می‌توانند از مزایای تجارب دیگران در این زمینه بهره ببرند (نیکومرام و محمودی، ۱۳۹۱). این ضعف سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری را می‌توان ناشی از عوامل محیطی و یا توانمندی حسابداران مدیریت دانست.

دهند. در این تحقیق ما به بررسی باور حسابداران مدیریت از اطلاعات مفید و تصمیم‌گیری آنها در عمل و عوامل ذهنی مؤثر بر آن پرداختیم.

دانش شناخت و به عبارت دیگر چگونگی یادگیری فرد می‌تواند از عوامل مهم تأثیرگذار بر رفتار تصمیم‌گیری او باشند. برخی معتقدند یک مرحله‌ی مهم در یادگیری روان شدن در یافتن نوع مسئله در محیط‌های متفاوت است. در این صورت پاسخ‌های مناسب از حافظه بازبایی می‌شوند (برانسفورد، براون و کوکینگ، ۲۰۰۰). این دیدگاه بر تأثیر عوامل محیطی بر رفتار تصمیم‌گیری فرد اشاره دارد. بلکویی (۱۹۷۸) معتقد است که شناخت حسابداران مدیریت در تعیین چارچوب فکری آنها و از این طریق بر قضاوت و تصمیم‌گیری آنها مؤثر است و تصمیمات متفاوت را خلق می‌کند. اگرچه همان‌طور که در ادامه بحث می‌شود تحقیقات پیشین به میزان زیادی تأثیر عوامل محیطی را بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت مطالعه کرده است. در این تحقیق ذهنیت حسابداران مدیریت به عنوان عامل مؤثر بر نقشی که حسابداران مدیریت در سازمان ایفا می‌کنند، مورد بررسی قرار گرفته است.

مطالعه‌ی سیر تاریخی حسابداری مدیریت ما را با عوامل محیطی و ساختار سازمانی مؤثر بر شکل‌گیری تکنیک‌های مختلف حسابداری مدیریت و تصمیمات متفاوت آنها در مورد اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری آشنا می‌کند. عبدالقادر و لوتر (۲۰۰۶) عنوان می‌کنند که فدراسیون بین المللی حسابداران IFAC^{۱۴} چهار مرحله برای حسابداری مدیریت توصیف می‌کند:

- ۱) محاسبه‌ی بهای تمام شده و کنترل مالی: انتخاب راه حل غیرعلمی، غیرمدیریتی و کنترلی؛
- ۲) اطلاعات برای برنامه ریزی و کنترل مدیریت: انتخاب راه حل علمی، مدیریت کنترلی، گذشته نگر، بینش بر مبنای شناخت گذشته؛
- ۳) کاهش اتلاف در فرآیندهای تجارت: انتخاب راه حل علمی، مدیریت تصمیم، تفسیر وضعیت موجود، بینش بر مبنای شناخت وضع موجود؛
- ۴) ارزش آفرینی از طریق استفاده‌ی مؤثر از منابع: انتخاب راه حل علمی، مدیریت تصمیم، به چالش کشیدن وضع موجود.

اگرچه هر کدام از این مراحل و مجموعه تکنیک‌ها دارای پایه‌ی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی است (رهنمای رودپشتی و شریعتی^{۱۵}، ۲۰۱۲)، عبدالقادر و لوتر (۲۰۰۶) در تحقیق خود عوامل ذهنی مؤثر بر شکل‌گیری این تکنیک‌ها را در نظر نمی‌گیرند. چگونگی طبقه‌بندی مفاهیم حسابداری-

سؤال کلی در این تحقیق این هست که تأثیر فراشناخت بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل چیست؟ علاوه بر این تحقیقات پیشین نشان داده که حسابداران مدیریت با ویژگی‌های متفاوت ساختار شناختی متفاوتی دارند (الیور، ۱۹۷۴ و وینگر و هولتوف^{۱۲}، ۲۰۱۳) و ساختار شناختی متفاوت با تصمیم‌گیری متفاوت حسابداران مدیریت رابطه دارد (هرانوسکی و هافتون^{۱۳}، ۲۰۰۱). اما هیچ تحقیقی تأثیر فراشناخت را بر درک معنای ضمنی فرد از مفاهیم نسنجیده است. برای بررسی تأثیر سطح آگاهی فراشناختی بر ساختار شناختی حسابداران مدیریت و تأثیر ساختار شناختی حسابداران مدیریت بر رفتار تصمیم‌گیری آنها ابعاد درک معنای ضمنی به عنوان متغیر میانجی در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

هدف از این تحقیق بررسی امکان‌پذیری توانمندسازی حسابداران مدیریت از طریق فراشناخت است. دانش‌افزایی در این تحقیق بسط ادبیات تغییر نقش حسابداران مدیریت است. این تغییر نقش تحت تأثیر عوامل شناختی و یادگیری مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور نقش فراشناخت به عنوان یک عامل ذهنی بر تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته است. لازم به ذکر است که متغیرهای ابعاد درک معنای ضمنی نیز به عنوان متغیرهای میانجی در این تحقیق در نظر گرفته شده‌اند که این متغیرها در بخش مبانی نظری بحث می‌شوند.

در ادامه متغیرهای پژوهش یک به یک معرفی و سؤالات تحقیق بر مبنای آنها مطرح می‌گردد. بعد از بیان روش تحقیق و معرفی ابزارهای تحقیق، یافته‌های پژوهش تحلیل و بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادات تحقیق در انتها آورده شده است.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه‌ی پژوهش

در این تحقیق تأثیر آگاهی فراشناختی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت مورد بررسی قرار می‌گیرد. متغیرهای این تحقیق شامل فراشناخت، ابعاد درک معنای ضمنی (ارزشگذاری، فعالیت و قدرت) و رفتار تصمیم‌گیری حسابداران-مدیریت در باور و عمل می‌باشد. هر یک از این متغیرها و مبانی نظری مربوط به آنها در ادامه شرح داده می‌شوند. ترتیب شرح متغیرها به گونه‌ای آورده شده که مطلب روان بیان شود.

۲-۱- تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت

حسابداران مدیریت در نقش تصمیم‌ساز گزینه‌های در دسترس تصمیم‌گیرندگان سازمان را با گزینش اطلاعات مفید و ابزارسازی بر اساس آن در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می-

حسابداران مدیریت می‌توانند بر شناخت آنها و در نتیجه نوع تصمیم آنها برای اطلاعات مفید برای ابزارسازی مؤثر باشد.

فراشناخت یا فراسوی شناخت به معرفت یا شناختی گفته می‌شود که هر کس درباره نظام شناختی خودش دارد و آن را شناخت شناخت تعریف می‌کنند (سترل^{۱۸}، ۲۰۱۲). جان فلاول^{۱۹} (۱۹۷۹) از دانشگاه استنفورد به عنوان یک محقق پایه-گذار در فراشناخت، فراشناخت را دانش درباره‌ی اینکه چه عواملی شناخت فرد را شکل می‌دهند می‌دانست و هدف فراشناخت را نظارت و هدایت تفکر اختصاصی فرد نسبت به فرآیندهای حل مسئله و عادات یادگیری میان وظایف شناختی دیگر عنوان کرد. افرادی که متعهد به یادگیری بهتر قلمرو دانش خود هستند، وقتی که متوجه چگونگی بهره‌برداری از توانایی شناختی خود هستند، عملکرد بهتری دارند (پنا، کیشیما، میزوگوچی و دومینگوز^{۲۰}، ۲۰۱۱).

فلاول (۱۹۷۹) فراشناخت را به عنوان آگاهی از این که فرد چگونه یاد می‌گیرد، آگاهی از چگونگی استفاده از اطلاعات موجود برای رسیدن به یک هدف، توانایی قضاوت درباره فرآیندهای شناختی در یک تکلیف خاص، آگاهی از این که چه راهبردهایی را برای چه هدفهایی مورد استفاده قرار دهد، ارزیابی پیشرفت خود در حین و بعد از اتمام عملکرد، تعریف کرده است (صمصام شریعت و رنجبرکهن، ۱۳۹۲).

از نظر برونینگ، شراو و رانینگ^{۲۱} (۲۰۰۱) الگوی فراشناخت شامل دو جزء اصلی است:

- ۱) دانش شناختی (آنچه فرد درباره‌ی شناخت می‌داند)
- ۲) تنظیم شناخت (چگونه یک فرد شناخت را کنترل می‌کند)

تحقیقات پیشین نشان داده که ویژگی‌های متفاوت حسابداران مدیریت با شناخت متفاوت آنها ارتباط دارد (ودبینگر و هولتوف، ۲۰۱۳). دانش حسابداران مدیریت از شناخت خود و چگونگی تنظیم آن می‌تواند به عنوان عامل مؤثر بر شناخت و چگونگی طبقه‌بندی مفاهیم در ذهن آنها عمل کند. به علاوه نوع طبقه‌بندی مفاهیم در ذهن حسابداران-مدیریت می‌تواند بر نقشی که آنها در سازمان می‌پذیرند مؤثر باشد.

شناخت و دانش با سرعت فزاینده رو به رشد است و معنای دانستن از توانایی به خاطر آوردن و تکرار اطلاعات به توانایی یافتن اطلاعات مناسب و کاربرد آن تغییر کرده است (برانسفورد، براون، کوکینگ، ۲۰۰۰). بنابراین توانمندی فراشناختی به عنصر رقابتی مهم در فرآیند یادگیری برای افراد به طور کلی و حسابداران به طور خاص در عصر حاضر تبدیل شده است. تحقیقات در زمینه‌ی حسابداری مدیریت نشان داده

مدیریت در ذهن حسابداران مدیریت به عنوان معیار اندازه-گیری شناخت در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. فراشناخت به عنوان عامل مؤثر بر این طبقه‌بندی به عنوان عاملی در نظر گرفته شد که به طور غیر مستقیم بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت مؤثر است.

آن تصمیم که حسابداران مدیریت در ذهن خود به آن باور دارند با تصمیمی که در عمل با توجه به شرایط خود اتخاذ می‌کنند ممکن است تفاوت داشته باشد. نوع این تصمیمات که متأثر از شناخت و عوامل محیطی هستند را می‌توان در یک طیف جای داد که یک سر آن تصمیمات غیرعلمی و سر دیگر آن تصمیمات علمی با به چالش کشیدن وضع موجود است. از طرف دیگر سازمان‌های عصر حاضر نیازمند کارکنانی توانمند و با بصیرت هستند. بصیرت یعنی ترسیم آنچه هست، آنچه باید باشد و آنچه می‌تواند باشد. بصیرت فرآیندی است برای شناسایی جهان مطلوب که در ذهن پرورنده می‌شود. لازمه‌ی تدوین بصیرت فاصله گرفتن از «آنچه هست» و تصویر کردن «آنچه باید باشد» و «آنچه می‌تواند باشد» است (ایمانی، آذرخش و اسماعیل‌تبار، ۱۳۸۳). در این تحقیق بحث می‌شود که شناخت حسابداران مدیریت بر نوع تصمیم و نقش آنها در سازمان مؤثر خواهد بود.

با این وجود، تصمیمات خوب اغلب به خاطر اجرای ضعیف به نتیجه نمی‌رسند. بنابراین ما نیازمند آن هستیم که علاوه بر آن که بدانیم که یک تصمیم صحیح چرا اتخاذ می‌شود، بدانیم که چگونه اجرا می‌شود. به این معنا که رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل می‌تواند متفاوت باشد. برای همین از دو متغیر رفتار تصمیم‌گیری (آنچه هست) که مبین رفتار تصمیم‌گیری در عمل است و رفتار تصمیم‌گیری (آنچه باید باشد) که مبین رفتار تصمیم‌گیری در باور حسابداران-مدیریت است در این تحقیق استفاده شده است.

۲-۲-۲- فراشناخت^{۱۶}

سیستم‌های اطلاعاتی در کشورهای مختلف با توجه به فرهنگ و ساختار سازمانی متفاوت آنها به شکل‌های متفاوت درآمدند (پترسون، کیم، کیم و تامورا^{۱۷}، ۲۰۰۲). هماهنگ نبودن سیستم‌های اطلاعاتی و کیفیت پایین آنها می‌تواند یکی از موانع رقابت و بقای شرکت‌های کشورهای در حال توسعه، در محیط همواره در حال تغییر جهانی باشد. علاوه بر عوامل ظاهری مثل تفاوت‌های محیطی، فرهنگی و سازمانی، یکی از علت‌های مهم تفاوت سیستم‌های اطلاعاتی می‌تواند عوامل ذهنی مثل تفاوت شناختی حسابداران مدیریت در جامعه‌ی حسابداران مدیریت باشد. دانش و توانایی کسب آن توسط

ج- آیا آگاهی فراشناختی بر بعد قدرت درک معنای ضمنی حسابداران مدیریت تأثیر دارد؟

۲-۳- درک معنای ضمنی

یادگیری و شناخت تنها فرآیند جذب اطلاعات از محیط نیست. بلکه یادگیری فرآیند معنا بخشی به مفاهیم است. مفاهیم دارای دو لایه معنا هستند: ۱- معنای صریح یا همان معنای لغوی مفاهیم و ۲- معنای ضمنی یا همان معنایی که در روابط سازمانی، اجتماعی و فرهنگی از آن درک می‌شود (وبینگر و هولتوف، ۲۰۱۳).

اگرچه بعضی واژه‌ها به نظر می‌رسد معنای مشابه دارند، استفاده‌ی آنها به جای هم معنای پیام را تغییر می‌دهد. دو واژه ممکن است معنای صریح یکسانی داشته باشند، اما معنای ضمنی آنها متفاوت باشد. معنای صریح به آنچه واژه را تعریف می‌کند، دلالت دارد. درحالی که معنای ضمنی واژه ایده‌هایی است که به ذهن می‌آورد. "والده" و "مامان" یک تعریف دارند. اما واژه‌ی "مامان" به‌طور ضمنی بر راحتی و صمیمیت دلالت دارد و واژه‌ای است که در معنای ضمنی خود قوی و مثبت است. اما واژه‌ی "والده" معنای ضمنی کمی دارد چون بار احساسی کمی دارد.

دو واژه ممکن است از لحاظ "معنای صریح" مترادف باشند. اما اگر واژه‌های هم‌معنی ضمنی حتی وجود داشته باشند، تعدادشان کم است. معنای صریح واژه معنای محدود و آشکار آن است، در حالی که معنای ضمنی القا دیگر آن است.

مبانی نظری حسابداری و حسابداری مدیریت، حسابداری را به عنوان یک زبان و وسیله‌ی ارتباطی مورد بررسی قرار داده‌اند. پارسائیان (۱۳۹۱) به نقل از بلکویی به وجود نسبیت-گرایی زبان‌شناختی در حسابداری اشاره می‌کند. این تئوری دلالت بر وجود فرآیند زبان‌شناختی دارد، که بنا بر فرض اساس و مبنای قضاوت را تعیین می‌کند. به این معنا که حسابداری به عنوان یک زبان می‌تواند بر فرآیند قضاوت و تصمیم‌گیری اثر بگذارد.

آموزش نقش آشکاری در شکل‌گیری شناخت فرد ایفا می‌کند. به این معنا که آموزش معنای صریح مفاهیم را به فرد می‌دهد. با این وجود طبقه‌بندی مفاهیم حسابداری مدیریت در ذهن آنها می‌تواند متفاوت باشد. آگاهی فراشناختی حسابداران مدیریت می‌تواند بر نوع طبقه‌بندی مفاهیم در ذهن حسابداران مدیریت تأثیر گذارد و تعیین‌کننده‌ی رفتار او برای بقا باشد.

پژوهش در علوم شناختی نشان می‌دهد که دانش با توجه به کاربرد موردنیاز آن به گونه‌ای متفاوت در ذهن طبقه‌بندی می‌شود. به عبارت دیگر، ساختار دانش و حافظه و شرایطی که

است که دانش حسابداری مدیریت نیز تحت تأثیر عوامل محیطی شامل عوامل درون سازمانی و نیز اقتصادی و فرهنگی همواره در حال تغییر بوده است (بریز و چوا^{۲۲}، ۲۰۰۲؛ جونز و داگدیل^{۲۳}، ۲۰۰۲؛ میلر^{۲۴}، ۱۹۹۱؛ مورتیسون و همکاران^{۲۵}، ۲۰۰۱). این پژوهش بحث می‌کند که این تغییرات می‌تواند متأثر از ذهنیت حسابداران مدیریت در سطح جهان باشد.

تحقیقات در زمینه‌ی روانشناسی شناختی نشان داده است که متخصصان نسبت به افراد تازه‌وارد دانش کامل‌تر، حافظه‌ی سازمان‌یافته‌تر و توانایی ارجاع بهتر دارند. همچنین از استراتژی‌های تصمیم‌گیری مناسب‌تر برخوردارند و توانایی ارزیابی آن استراتژی‌ها را دارند (چیس و سایمون، ۱۹۷۳؛ چی و همکاران ۱۹۸۱). بنابراین در این تحقیق فراشناخت به عنوان یک عامل مؤثر بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت مورد مطالعه قرار گرفته است.

توانایی فراشناختی برای عملکرد خوب فرد اهمیت دارد (هاسر، و همکاران^{۲۶} ۲۰۱۷) و باتا و کارول^{۲۷} (۲۰۰۷) در تحقیق خود نشان دادند که افزایش مهارت فراشناختی توان تصمیم‌گیری را بهبود می‌بخشد، حاصل این تحقیق نشان داد که تنظیم شناختی تأثیر با اهمیت‌تری نسبت به دانش شناختی بر روی توان تصمیم‌گیری دارد.

یافته‌های به دست آمده از پژوهش سعید و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد ارتباط معنادار بین راهبردهای شناختی، فراشناختی با پیشرفت تحصیلی است. همچنین عواملی که بیشترین توان پیش‌بینی در راهبردهای شناختی و فراشناختی را دارد، طراحی و برنامه ریزی است. مهدیانی، رجایی پور و عابدینی (۱۳۹۲)، نیز در تحقیق خود نشان دادند بین مؤلفه‌های فراشناخت و سبک‌های تصمیم‌گیری مدیران رابطه معنی‌داری وجود دارد. اما با توجه به این که حسابداران مدیریت یک جامعه‌ی متفاوت با زبان و فرهنگ‌های سازمانی متفاوت را شکل می‌دهند، نمی‌توان انتظار داشت که نتایج حاصل از آن تحقیقات به طور کامل قابل استفاده در دانش و حرفه‌ی حسابداری مدیریت باشد.

بر این اساس سؤال اصلی اول و سؤالات فرعی مربوط به آن در این تحقیق مطرح می‌شود:

- ۱) آیا آگاهی فراشناختی به صورت غیر مستقیم بر باور و عمل رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت تأثیر دارد؟
- الف- آیا آگاهی فراشناختی بر بعد ارزشگذاری درک معنای ضمنی حسابداران مدیریت تأثیر دارد؟
- ب- آیا آگاهی فراشناختی بر بعد فعالیت درک معنای ضمنی حسابداران مدیریت تأثیر دارد؟

شناختی متفاوتی دارند (هافتون، ۱۹۸۷b). این تحقیقات حاکی از تأثیر تفاوت ساختار شناختی افراد بر درک ضمنی آن‌ها از مفهوم واحد و تأثیر آن بر دانش حسابداری آن‌هاست.

وینگر و هولتوف (۲۰۱۳) در پژوهش خود شواهد تجربی یافتند مبنی بر اینکه حسابداران مدیریت با مدل شناخت متفاوت درکشان از معنای ضمنی اصطلاحات حسابداری مدیریت متفاوت است. همچنین دریافتند که درک از معنای ضمنی با سطح دانش حسابداری مرتبط است. در حالی که تجربه‌ی کاری تأثیر با اهمیت بر درک معنای ضمنی مفاهیم حسابداری ندارد.

طبقه‌بندی متفاوت اطلاعات به نوبه‌ی خود می‌تواند بر فرآیند بازیابی و پردازش اطلاعات مؤثر باشد (واکوک و ورم، ۱۹۹۷). شناخت متفاوت حسابداران مدیریت چارچوبی برای آنها شکل می‌دهد که قضاوت و تصمیم‌گیری در آن چارچوب شکل می‌گیرد.

بنابراین این تفاوت درک از معنای مفاهیم حسابداری می‌تواند بر قضاوت و در نهایت تصمیم‌گیری حسابداران مؤثر باشد. به طوری که هرانوسکی و هافتون (۲۰۰۱) در تحقیق خود به بررسی تأثیر سطح درک معنای ضمنی بر قضاوت حسابداران پرداختند. این تحقیق بر روی دو گروه انجام شد. گروه اول با تعریف جدید از اقلام استثنایی کار می‌کردند در حالی که گروه دوم تعریف قدیم را به کار می‌بردند. از این دو گروه خواسته شد که با خواندن افته‌ها اقلام بااهمیت را در گروه استثنایی یا عملیاتی طبقه‌بندی کنند. همچنین این دو گروه می‌بایست پرسشنامه‌ی تمایز معنایی با ۲۲ طیف را پاسخ دهند. معیار گزینش بار عاملی بیشتر از ۰/۵ بوده است. نتیجه‌ی تحقیق آن‌ها نشان داد که تصمیمات طبقه‌بندی اقلام استثنایی گرفته شده توسط حسابداران به طور سیستماتیک با درک معنای ضمنی آنها ارتباط دارد.

بر این اساس این سؤال اصلی دوم و سؤالات فرعی مربوط به آن مطرح می‌شود:

۲) آیا ابعاد درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل تأثیر دارد؟

الف- بعد ارزشگذاری درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم-

گیری حسابداران مدیریت (آنچه هست) تأثیر دارد.

ب- بعد فعالیت درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم‌گیری

حسابداران مدیریت (آنچه هست) تأثیر دارد.

ج- بعد قدرت درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم‌گیری

حسابداران مدیریت (آنچه هست) تأثیر دارد.

د- بعد ارزشگذاری درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم-

گیری حسابداران مدیریت (آنچه باید باشد) تأثیر دارد.

تحت آن برای استفاده بازیابی می‌شود متناسب با کاربرد آن شکل می‌گیرد. به همین صورت آنچه به عنوان درک مفهومی شناخته می‌شود به توانایی کاربرد مفهوم و از دیدگاه ابزاری است. همان‌طور که هیچ نقشه‌ی کاملی وجود ندارد و هر نقشه تنها می‌تواند بعضی از سؤالات فرد را پاسخ دهد. در این دیدگاه فهم کامل وجود ندارد، تنها دانشی وجود دارد که کم و بیش توان پاسخگویی سؤالات و تکالیف فرد را دارد (برانسفورد، براون و کوکینگ^{۲۸}، ۲۰۰۰).

تحقیقات پیشین بر درک معنای ضمنی مفاهیم نشان داده مفاهیم در تعداد کمی بعد طبقه‌بندی می‌شوند. طبقه‌بندی مفاهیم در نقطه‌ای بین ابعاد بازیابی آن را نسبت به زمانی که هر کدام طبقه‌ی مختص خود را داشته باشد به صرفه‌تر می‌کند (واکوک و ورم^{۲۹}، ۱۹۹۷).

یافته‌های محققان نشان داده که مفاهیم به طور کلی معمولاً بین سه بعد قدرت، ارزشگذاری و فعالیت قرار می‌گیرند. اما یافته‌های تحقیقات حسابداری در این زمینه متفاوت است. این در حالی است که واکوک و ورم (۱۹۹۷) معتقدند که توانایی فرد در قرار دادن هرچه سریع‌تر مفاهیم در راستای این سه بعد امکان بقای او را افزایش می‌دهد. هافتون (۱۹۸۸) و وینگر و هولتوف^{۳۰} (۲۰۱۳) در تحقیق خود نشان داده‌اند که ابعاد حسابداری از معنا مطابقت با ابعاد ارزشگذاری، قدرت و فعالیت دارد.

واکوک و ورم (۱۹۹۷) در تحقیق خود نشان داده‌اند که نوع طبقه‌بندی مفاهیم در ذهن فرد بر چگونگی بازیابی آن می‌تواند تأثیر داشته باشد. پایه‌ی این تحقیقات نظریه‌ی تکامل داروین است. نظریه‌ی داروین هدف فرد را بقا می‌داند. بر اساس این نظریه اطلاعات با دو هدف گردآوری می‌شوند: ۱- برای به دست آوردن منابع کمیاب و مطلوب ۲- برای گریز از خطر

به طور کلی تحقیقات پیشین نشان داده که محیط و فرهنگ و شناخت متفاوت می‌تواند بر چگونگی طبقه‌بندی اطلاعات و مفاهیم حسابداری مدیریت مؤثر باشد (هرید، ۱۹۷۲؛ هرید، ۱۹۷۳؛ هافتون^{۳۱}، ۱۹۸۷؛ هرانوسکی و هافتون^{۳۲}، ۲۰۰۱؛ فلام هولتز و کوک^{۳۳}، ۱۹۸۷؛ الیور، ۱۹۷۴؛ وینگر و هولتوف، ۲۰۱۳).

هافتون (۱۹۷۸a) در زمینه رابطه‌ی توان شناختی و درک معنای ضمنی و دانش حسابداری نشان داده است که تغییرات با اهمیت در درک معنای ضمنی مفاهیم خاص حسابداری رخ می‌دهد و ساختار شناختی که معنا را در خود داشت گرایش به تغییر داشت (هافتون، ۱۹۸۷a). او همچنین در تحقیق دیگری نشان می‌دهد که سهامداران و حسابداران معنای واحدی از مفهوم "درست و منصفانه" درک نمی‌کنند و همچنین ساختار

ه- بعد فعالیت درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت (آنچه باید باشد) تأثیر دارد.

و- بعد قدرت درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت (آنچه باید باشد) تأثیر دارد.

مبحث تصمیم‌گیری در بسیاری از متون حسابداری با در نظر گرفتن تأثیر شرایط محیطی و با توجه به تئوری احتمالی^{۳۴} در حسابداری مدیریت مورد مطالعه قرار گرفته است. در این تحقیق عوامل ذهنی مؤثر بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت شامل فراشناخت و ساختار شناختی حسابداران-مدیریت مورد بررسی قرار گرفته است. شواهد تجربی گذشته در زمینه‌ی شناخت حسابداران مدیریت در ادامه شرح داده شده است.

هرید اولین محققى که در ارتباط با درک معنای ضمنی در حسابداری تحقیق انجام داده است. در اولین تحقیق خود هرید از واژگان به کار گرفته شده در گزارشات مالی به عنوان محرک استفاده می‌کند و ۳۰ گویه متشکل از صفات متضاد برای تحقیق خود انتخاب می‌کند. نتیجه‌ی تحقیق هفت بعد برای درک معنای ضمنی واژگان مالی یافته است. بعد قدرت در این هفت بعد یافت نشد (هرید، ۱۹۷۲).

هرید (۱۹۷۳) در تحقیق دیگر خود نشان داد میان دانشجویان، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی درک متفاوتی از مفاهیم تخصصی حسابداری وجود دارد.

الیور (۱۹۷۴) در تحقیق خود ۸ مفهوم از مفاهیم حسابداری را به عنوان محرک با استفاده از پرسشنامه‌ی باز انتخاب کرد. در این تحقیق از ۷ گروه برای نمونه استفاده شد. او برای تحقیق خود گویه‌ها را با توجه به جای‌گیری در سه بعد قدرت، ارزش‌گذاری و فعالیت معرفی شده توسط آزگود و همکاران (۱۹۶۷) انتخاب کرد. شواهد تجربی این تحقیق نشان داد که میان هفت گروه تفاوت معناداری بین درک معنای ضمنی ۶ مفهوم وجود دارد و فقط معنای مفاهیم "تطابق" و "هزینه" فاقد تفاوت معنادار بود. این یافته‌ها نشان از فقدان امکان برقراری ارتباط میان هفت گروه با توجه به درک معنای ضمنی متفاوت آنها از مفاهیم بود. جدا کردن گروه‌های "جامعه‌ی حسابداران رسمی آمریکا"^{۳۵} و "انجمن برای دانشگاهی مدارس کسب و کار"^{۳۶} نشان داد که بیشترین عامل اختلاف در درک معنای ضمنی میان گروه‌ها، گروه انجمن برای پیشبرد دانشگاهی مدارس کسب و کار بود که به عنوان نماینده‌ی گروه مربیان تخصصی انتخاب شده بود. به طوری که این گروه تنها بر روی مفهوم "تطابق" با سایر گروه‌های استفاده‌کننده‌ی اطلاعات توافق داشت. در مقابل گروه جامعه‌ی حسابداران رسمی آمریکا به عنوان نماینده‌ی اعضای حرفه‌ای

توافق بیشتری با سایر گروه‌های استفاده‌کننده‌ی اطلاعات در درک معنای ضمنی مفاهیم در مقایسه با انجمن نشان می‌داد. همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که بیشترین توافق در درک معنای ضمنی مفهوم "هزینه" و کمترین توافق بر روی درک معنای ضمنی مفهوم "افشا" بود. بانکداران از لحاظ درک معنای ضمنی مفاهیم نسبت به سایر گروه‌ها از تجانس بیشتری برخوردار بودند.

فلام‌هولتز و کوک (۱۹۷۸) به بررسی تأثیر درک معنای ضمنی مفاهیم حسابداری بر روی پذیرش تغییرات حسابداری پرداختند. در این تحقیق تمرکز بر حوزه‌ی حسابداری منابع انسانی و مفاهیم حسابداری این حوزه بود. نتایج این تحقیق ۴ بعد برای مفاهیم حسابداری نشان داد که بر خلاف یافته‌های هرید هیچکدام از عامل‌ها در بعد فعالیت جای نگرفت.

یافته‌های تحقیق هافتون (۱۹۸۷) نشان داد که ساختار شناختی حسابداران گرایش به تغییر داشت. به طوری که با گذراندن واحدهای درسی ساختار شناختی دانشجویان به سمت ساختار سه بعدی گرایش پیدا می‌کرد و نیز درک آنها از مفاهیم حسابداری از انتهای طیف‌ها دور می‌شد. به این معنا که با گذراندن واحد درسی نظر آنها درباره‌ی مفید بودن مفهوم "دارایی" شدت کمتری داشت و همین‌طور در مورد مفهوم "بدهی" با گذراندن واحد درسی اعتقاد آنها در مورد منفی بودن این مفهوم کاهش پیدا می‌کرد.

واکوک و ورم (۱۹۹۷) طی تحقیقی نشان دادند که چگونگی طبقه‌بندی اطلاعات در سه بعد ارزش‌گذاری، قدرت و فعالیت بر سرعت پردازش اطلاعات فرد مؤثر است. قضاوت حسابداران در طبقه‌بندی اقلام استثنایی با درک معنای ضمنی آنها رابطه دارد. همچنین یافته‌های این تحقیق نشان داده است که عوامل درک معنای ضمنی در سه بعد ارزش‌گذاری، فعالیت و قدرت جای می‌گیرد (هرانوسکی و هافتون، ۲۰۰۱).

شلیفر و دال (۲۰۰۹) رابطه‌ی بین فراشناخت و نمره‌ی حسابداری دانشجویان را مورد مطالعه قرار دادند. برای بررسی سطح آگاهی فراشناختی از پرسشنامه استاندارد شراو و دنیسون (۱۹۹۴) و برای اندازه‌گیری عملکرد دانشجویان از نمره‌های امتحان آنها استفاده شد. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که سطح آگاهی فراشناختی با عملکرد دانشجویان حسابداری رابطه‌ی مثبت دارد. همچنین دانشجویان سال‌های بالاتر دارای سطح آگاهی فراشناختی بالاتر بودند. اگرچه نتایج تحقیق آنها نشان داد که تنظیم شناختی (با ثابت در نظر گرفتن دانش شناختی) با عملکرد دانشجویان رابطه‌ی منفی دارد. به این معنا که دانشجویانی که دانش شناختی بالاتر و

تنظیم شناختی پایین‌تری برای خود گزارش می‌کنند عملکرد بهتری دارند.

وبینگر و هولتوف^{۳۷} (۲۰۱۳) در پژوهش خود شواهد تجربی مبنی بر تأثیر مدل شناخت بر روی درک حسابداران-مدیریت از معنای ضمنی اصطلاحات حسابداری مدیریت یافتند. همچنین دریافتند که درک از معنای ضمنی با سطح دانش حسابداری مرتبط است. در این تحقیق درک حسابداران مدیریت از مفاهیم حسابداری در سه بعد فعالیت، قدرت و ارزشگذاری جای گرفت.

گریمالدی، لو و باسو (۲۰۱۵) در مطالعه‌ی خود برای اندازه‌گیری فراشناخت شاخص اطمینان به تصمیم گذشته (اعتماد به نفس) را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه بحث شده که برخی تحقیقات اخیر نشان داده اعتماد به نفس در مدارهای مغزی خاص خود قرار دارند، در حالی که تحقیقات دیگر نشان داده که اطلاعات مربوط به اعتماد به نفس در مدارهای تصمیم‌گیری کدگذاری می‌شوند.

پریس و همکاران^{۳۸} (۲۰۱۶)، رابطه‌ی سرگردانی ذهنی، فراشناخت و خلاقیت را در دانشجویان دانشگاه و دانش‌آموزان مدارس حرفه‌ای شیلی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های تحقیق نشان داد که فراشناخت، رفتار خلاقانه را به طور معنادار پیش‌بینی نمی‌کند. فراشناخت اثر منفی بر رفتار خلاقانه‌ی دانشجویان دانشگاه داشت. درحالی که فراشناخت بر رفتار خلاقانه‌ی دانش‌آموزان مدارس حرفه‌ای اثر نداشت.

یافته‌های تحقیق هاسر و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد که اختلال وسواس فکری بر فراشناخت و تصمیم‌گیری ادراکی فرد تأثیر دارد. آنها طی تحقیقی نشان دادند که این اختلال ضعف فراشناخت و تصمیم‌گیری ادراکی را به دنبال دارد. به طوری که از نظر آنها اختلالات فراشناختی ناشی از وسواس فکری، ضعف تصمیم‌گیری ادراکی را افزایش می‌دهد.

یافته‌های به دست آمده از پژوهش سعید و همکاران (۱۳۸۹) حاکی از ارتباط معنادار راهبردهای شناختی، فراشناختی و تعاملات در محیط مجازی با پیشرفت تحصیلی است. همچنین مؤلفه‌ای که بیشترین توان پیش‌بینی در تعاملات و پیشرفت تحصیلی را داشت، تعامل استاد با یادگیرنده و در راهبردهای شناختی و فراشناختی طراحی و برنامه ریزی بود.

شواهد تجربی تحقیق مهدیانی، رجایی پور و عابدینی (۱۳۹۲) نشان داد بین مؤلفه‌های فراشناخت و سبک‌های تصمیم‌گیری مدیران رابطه معنی‌داری وجود دارد. به این معنا که برخی مؤلفه‌های فراشناخت (کنترل ناپذیری و خطر افکار، باورهای مثبت درباره نگرانی، وقوف شناختی، اطمینان

شناختی، نیاز به کنترل افکار) قدرت پیش‌بینی کنندگی معنی-داری را برای انواع سبک‌های تصمیم‌گیری داشت. با توجه به ویژگی‌های دموگرافیک، مؤلفه‌های فراشناخت فقط برحسب رشته تحصیلی تفاوت داشت و سبک‌های تصمیم‌گیری برحسب سن و سمت تفاوت داشتند.

جوکار و رحیمی (۱۳۹۲) در تحقیق خود به بررسی اثر خشم و سبک‌های شناختی بر رفتار تصمیم‌گیری دانشجویان پرداختند. در این الگو تمایلات فراشناختی به عنوان متغیر واسطه‌ی متغیرهای پیش‌بین وارد شد. در این الگو برای سبک‌های شناختی از سه مقیاس نیاز به شناخت، نیاز به ساختار و نیاز به قطعیت استفاده شد. و برای بررسی تمایلات فراشناختی از مقیاس تفکر فعال و روشنفکرانه استانبول و وست^{۳۹} (۲۰۰۷) استفاده شد. نتیجه‌ی تحقیق در رابطه با اثر سبک‌های شناختی بر رفتار تصمیم‌گیری با واسطه‌ی تمایلات فراشناختی نشان داد که نیاز به شناخت اثر مثبت مستقیم و غیرمستقیم بر تصمیم‌گیری و نیاز به ساختار اثر منفی غیر مستقیم بر تصمیم‌گیری دارد. این در حالی است که نیاز به قطعیت اثر معنادار بر تصمیم‌گیری ندارد.

رستمی و علی‌آبادی (۱۳۹۳) در تحقیق خود نشان دادند که راهبردهای شناختی و فراشناختی بر انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی دانشجویان مؤثر است. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که از بین راهبردهای شناختی و فراشناختی تأثیرگذار بر انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی؛ راهبردهای برنامه‌ریزی، سازماندهی و تکرار و تمرین در یادگیری بیشترین تأثیر و راهبرد کنترل و نظارت کمترین تأثیر را بر انگیزه پیشرفت تحصیلی دانشجویان داشته‌اند.

در تحقیق دیگری هوشمندجا، جوانمرد و مرعشی (۱۳۹۳) نشان دادند که سطح راهبردهای شناختی و فراشناختی در دانش‌آموزان عشایر با رشته تحصیلی مختلف تفاوت دارد. همچنین دانش‌آموزان مقطع تحصیلی متفاوت نیز سطح راهبرد فراشناختی متفاوت داشتند. به طور کلی نتایج حاکی از آن است که بین خودکارآمدی و راهبردهای شناختی-فراشناختی با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

در این تحقیق رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت مطالعه شده است. رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور (آنچه باید باشد)، با رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در عمل (آنچه هست) می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین دو متغیر برای رفتار تصمیم‌گیری در نظر گرفته شده است: ۱- رفتار

فرضیه ۴- بعد ارزشگذاری درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت (آنچه هست) تأثیر دارد.

فرضیه ۵- بعد فعالیت درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت (آنچه هست) تأثیر دارد.

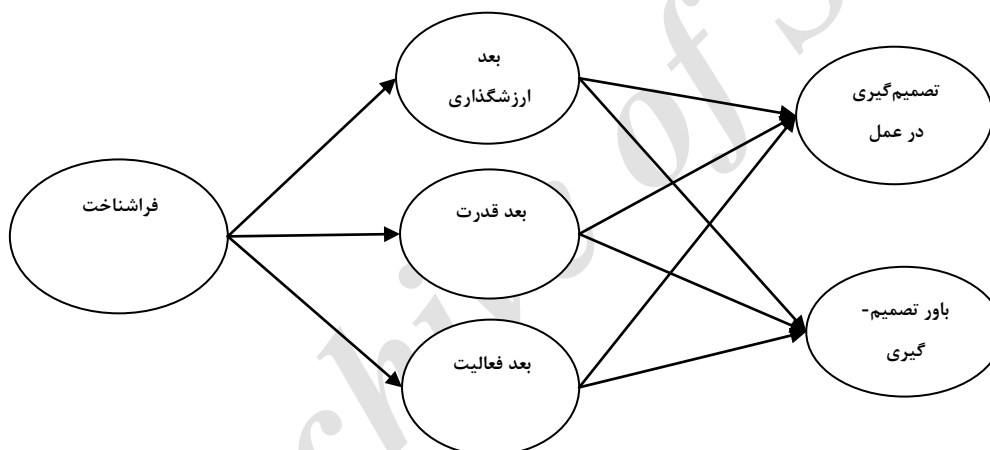
فرضیه ۶- بعد قدرت درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت (آنچه هست) تأثیر دارد.

فرضیه ۷- بعد ارزشگذاری درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت (آنچه باید باشد) تأثیر دارد.

فرضیه ۸- بعد فعالیت درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت (آنچه باید باشد) تأثیر دارد.

فرضیه ۹- بعد قدرت درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت (آنچه باید باشد) تأثیر دارد.

الگوی مفهومی پیشنهادی مبتنی بر متغیرهای فرضیه‌ها به شکل زیر خواهد بود:



نمودار ۱- الگوی مفهومی پیشنهادی

دنیسون^{۴۰} (۱۹۹۴) است که دارای ۸ مؤلفه شامل: ۱- دانش بیانی، ۲- دانش رویه‌ای، ۳- دانش شرطی، ۴- برنامه‌ریزی، ۵- مدیریت اطلاعات، ۶- نظارت بر درک مطلب، ۷- استراتژی تصحیح اشکال و ۸- ارزیابی است. برای هر یک از این مؤلفه‌ها ۴ گویه در نظر گرفته شد به غیر از مؤلفه‌های ۶ و ۷ که دو گویه داشتند. برای امتیازدهی امتیاز ۱ و صفر برای پاسخ‌های هر گویه در نظر گرفته شده است. در آخر مجموع امتیازات هر مؤلفه در تحلیل مسیر مورد استفاده قرار گرفته است.

پرسشنامه‌ی درک معنای ضمنی بر مبنای پرسشنامه‌ی تفاوت معنای ضمنی آزگود و همکاران^{۴۱} (۱۹۷۶) و گزینش گویه‌هایی که در تحقیقات قبلی بار عاملی بالاتر از نیم در این

تصمیم‌گیری (آنچه هست) ۲- رفتار تصمیم‌گیری (آنچه باید باشد) ابعاد درک معنای ضمنی تحت عنوان ارزشگذاری، فعالیت و قدرت به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شدند. اثر آگاهی فراشناختی که همان متغیر مستقل است بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل با اثر گذاری بر روی متغیرهای ابعاد درک معنای ضمنی (ارزشگذاری، فعالیت و قدرت) سنجیده شده است.

بر این اساس ۹ فرضیه بیان می‌شود:

فرضیه ۱- آگاهی فراشناختی بر بعد ارزشگذاری درک معنای ضمنی حسابداران مدیریت تأثیر دارد.

فرضیه ۲- آگاهی فراشناختی بر بعد فعالیت درک معنای ضمنی حسابداران مدیریت تأثیر دارد.

فرضیه ۳- آگاهی فراشناختی بر بعد قدرت درک معنای ضمنی حسابداران مدیریت تأثیر دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق ترکیبی است. در این روش از ۲ پرسشنامه بسته و ۲ پرسشنامه نیمه‌باز برای جمع‌آوری داده استفاده می‌شود. داده‌های کیفی حاصل از پاسخ به پرسش‌های باز، با کدگذاری باز امتیازدهی شده و در تحلیل آماری از این امتیازات استفاده می‌شود. ۲ پرسشنامه‌ی بسته مفاهیم کیفی فراشناخت (شامل ۲ بعد و ۸ مؤلفه) و درک معنای ضمنی (دارای سه بعد و ۱۵ شاخص) را می‌سنجند.

همان‌طور که در مبانی نظری گفته شد آگاهی فراشناختی دارای دو بعد دانش شناختی و تنظیم شناختی است. پرسشنامه آگاهی فراشناختی پرسشنامه‌ی استاندارد شراو و

ابعاد بار عملی بالاتر از نیم در تحقیقات پیشین داشته‌اند در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت شامل دو پرسشنامه‌ی نیمه‌باز محقق ساخته است. پاسخ‌های باز با توجه به قرار گرفتن آنها در یکی از چهار طبقه که چهار گزینه بر اساس آن طراحی شده‌اند امتیازدهی می‌شوند. این چهار طبقه بر مبنای نوع راه‌حل‌های انتخابی به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که راه‌حل غیر علمی در طبقه اول، راه‌حل علمی با توجه به بینش بر مبنای شناخت گذشته در طبقه دوم، راه‌حل علمی با توجه به بینش بر مبنای شناخت وضع موجود در طبقه سوم و راه-حل علمی با به چالش کشیدن وضع موجود در طبقه چهارم جای می‌گیرد. راه‌حل‌ها تکنیک‌هایی هستند که در حسابدارای مدیریت مورد استفاده قرار گرفته‌اند و بر مبنای ماهیت خود در یکی از چهار طبقه ذکر شده جای می‌گیرند. در صورت پاسخ "همه‌ی موارد" امتیاز ۴ برای پاسخ در نظر گرفته شد زیرا مبنای نظری حسابدارای مدیریت تصریح می‌کند با معرفی تکنیک‌های جدید، حسابداران مدیریت تکنیک‌های قبلی را در این حوزه حفظ کرده‌اند. در صورتی که پاسخ در هیچ‌کدام از چهار گزینه جای نمی‌گرفت پاسخ صفر برای آن در نظر گرفته می‌شد.

مفاهیم معرفی شده با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد تعدیل شده مذکور در جامعه‌ی دانشجویان دکتری و ارشد حسابدارای علوم و تحقیقات تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ که درس حسابدارای مدیریت را گذرانده‌اند سنجیده می‌شود. از آنجایی که تحقیقات پیشین نشان داده که این مفاهیم در جامعه‌های متفاوت متغیرهای مشهود یکسان نمی‌پذیرند. از تحلیل عاملی تأییدی برای شناسایی متغیرهای مکنون و تأیید روایی سازه ابزارهای فراشناخت در جامعه‌ی مورد مطالعه استفاده می‌شود. لازم به ذکر است که تعداد سؤالات پرسشنامه‌های استاندارد از طریق تحلیل منطقی کم شده است. علت انتخاب دانشجویان در جامعه‌ی آماری این بوده که تحقیقات پیشین نشان داده که تفاوت در درک معنای ضمنی از مفاهیم ممکن است ناشی از تفاوت در درک از معنای صریح آنها باشد. با انتخاب دانشجویان حسابدارای مدیریت در جامعه‌ی آماری این محدودیت از بین می‌رود. زیرا با معنای صریح این واژه‌ها در درس حسابدارای مدیریت آشنا شده‌اند.

در این تحقیق اندازه‌ی جامعه (دانشجویان ارشد و دکتری حسابدارای دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ که در نیمسال دوم واحد درسی اخذ کرده‌اند) ۱۰۷ نفر بوده است و نمونه به اندازه‌ی بزرگ انتخاب شده است که گویای ویژگی جامعه‌ی مورد بررسی باشد. به

ابعاد داشته‌اند طراحی شده است. این پرسشنامه شامل ۱۵ گویه (بی‌ارزش- باارزش، مضر- مفید، قوی- ضعیف، مطمئن - ریسکی، ضروری و غیر ضروری، ثابت-متغیر، غیرمنتظره - منتظره، استاتیک-دینامیک، بلندمدت-کوتاه‌مدت، غیرقابل انعطاف- منعطف، تخمینی- دقیق، غیرقابل‌اندازه‌گیری- قابل - اندازه‌گیری، ذهنی - عینی، تخیلی - واقعی، مشهود- نامشهود) است که در سه بعد ارزش‌گذاری، فعالیت و قدرت جای می‌گیرد. برای هر بعد ۵ گویه با توجه به گویه‌هایی که در تحقیقات قبلی (هرید، ۱۹۷۲؛ هرانوسکی و هافتون ۲۰۰۱، وینگر و هولتوف، ۲۰۱۳) بر روی این سه بعد بار عملی بالاتر از نیم داشتند، تعریف شده است. بعد ارزش‌گذاری شامل گویه-های (بی‌ارزش- باارزش، مضر- مفید، قوی- ضعیف، مطمئن - ریسکی، ضروری و غیر ضروری)، بعد فعالیت شامل گویه‌های (ثابت-متغیر، غیرمنتظره - منتظره، استاتیک-دینامیک، بلندمدت-کوتاه‌مدت، غیرقابل انعطاف- منعطف) و بعد قدرت شامل گویه‌های (تخمینی- دقیق، غیرقابل‌اندازه‌گیری- قابل - اندازه‌گیری، ذهنی - عینی، تخیلی - واقعی، مشهود- نامشهود) می‌باشد. هر گویه شامل طیف هفت گزینه‌ای هست. صفات متضاد در دو سر طیف قرار می‌گیرند و با گزینه‌ی ۱ تا ۷ در دو سر طیف امتیازدهی می‌شوند. هر چه پاسخ به یکی از دو سر طیف نزدیک‌تر باشد، شدت ایده‌ی سر آن طیف در ذهن فرد شنونده بیشتر است. به عنوان مثال در مورد واژه‌ی "مادر" اگر دو سر طیف یک گویه "سخت‌گیر" و "آسان‌گیر" باشد. امتیاز ۷ برای ایده‌ی به شدت سخت‌گیر و امتیاز ۱ برای ایده‌ی "به شدت آسان‌گیر" در نظر گرفته می‌شود. پاسخ‌دهنده هر چه در این طیف پاسخ‌ش نزدیک‌تر به سخت‌گیر باشد بدین معناست که واژه‌ی مادر درجه‌ی سخت‌گیری بیشتری را در ذهن او نسبت به پاسخ‌دهنده‌ای که پاسخ‌ش نزدیک به آسان-گیر است در ذهن او تداعی می‌کند.

همان‌طور که گفته شد برای هر بعد ۵ گویه در نظر گرفته شده است. هر گویه شامل یک طیف هفت‌گزینه‌ای است. در دو سر طیف دو ایده‌ی متضاد برای هر بعد قرار دارد. به منظور کنترل پرسشنامه ایده‌ها در دو سر طیف‌ها به صورت نامنظم و عکس شده ۴۲ به منظور کنترل پاسخ‌ها آمده است. در بعد ارزش‌گذاری ابعاد با ارزش بالا، نمره‌ی ۷ تا بی ارزش، نمره‌ی ۱ را به خود اختصاص می‌دهند. در بعد قدرت، ابعاد با قدرت بالا نمره‌ی ۷ و ابعاد با قدرت پایین نمره‌ی ۱ را به خود اختصاص می‌دهند. در بعد فعالیت ابعاد با فعالیت کمتر نمره‌ی ۷ و ابعاد با فعالیت بالاتر نمره‌ی ۱ را به خود اختصاص داده‌اند. لازم به ذکر است که برای انتخاب گویه‌ها از تحقیقات قبلی و تئوری-های منتج از آنها استفاده شده است. گویه‌هایی که بر روی این

۲-۵- یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی تأییدی

از آنجا که حجم نمونه کم و توزیع داده‌ها غیرنرمال است از نرم‌افزار پی‌ال‌اس برای تحلیل مسیر استفاده می‌شود. همان‌طور که مشاهده شد در این نرم‌افزار تحلیل عاملی برای روایی سازه و تحلیل مسیر به صورت همزمان انجام می‌شود. خلاصه‌ی یافته‌های حاصل از اجرای دستور در نرم‌افزار پی‌ال‌اس در ادامه آمده است.

تحلیل عاملی تأییدی در نرم‌افزار پی‌ال‌اس بر روی عامل-های سازه‌ی فراشناخت و حذف عامل‌های با هم‌بستگی کمتر از ۰/۵ با متغیر مکنون فراشناخت نشان داده است که دانش بیانی، طراحی و برنامه‌ریزی، مدیریت اطلاعات و ارزیابی در این شرایط، از متغیرهای مشاهده شده و موردپذیرش این سازه می‌باشند و در آزمون فرضیات داده‌های گردآوری شده‌ی این عامل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که دانش رویه‌ای و دانش شرطی دارای بار عاملی بالای ۰/۴ هستند ولی به علت اینکه بار عاملی این دو عامل از ۰/۵ کمتر بود از سازه حذف شدند.

بعد از اجرای دستور تحلیل و حذف عامل‌های دارای بار عاملی کمتر از ۰/۵ مدل به شکل نمودار شماره ۱ در آمد.

جدول ۱- خلاصه یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی متغیر مکنون فراشناخت

متغیر	بعد	بار عاملی
فراشناخت	دانش بیانی	*۰/۵۲۶
	دانش رویه‌ای	زیر ۰/۵
	دانش شرطی	زیر ۰/۵
	طراحی و برنامه‌ریزی	*۰/۵۰۴
	مدیریت اطلاعات	*۰/۶۸۳
	نظارت بر شناخت	زیر ۰/۵
	استراتژی تصحیح اشکال	زیر ۰/۵
	ارزیابی	*۰/۷۰۸

* ارزش آماره T بالاتر از ۱/۹۶۵ است.

عبارت دیگر اندازه‌ی نمونه گردآوری شده و جامعه تقریباً با هم برابر است. طبق فرمول کوکران باید ۸۳/۸۶ نفر عضو در نمونه داشته باشیم. در مجموع ۱۰۷ پرسشنامه بین دانشجویانی که واحد درسی حسابداری مدیریت را گذرانده بودند، توزیع شد و از این میزان ۸۸ پرسشنامه بازگردانده شد. از این تعداد ۵ پرسشنامه به دلیل پاسخ از روی بی حوصلگی کنار گذاشته شد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

در فرمول بالا p و q را ۰,۵ در نظر می‌گیریم. مقدار z ۱,۹۶ است و سطح خطا (d) ۰,۰۵ می‌باشد. با داشتن جامعه ۱۰۷ حجم نمونه لازم ۸۳/۸۶ به دست می‌آید. در این تحقیق ۸۳ پرسشنامه در نهایت استخراج شده است. طبقه‌بندی داده‌ها در نرم‌افزار اکسل^{۴۳} و اس‌پی‌اس‌اس^{۴۴} صورت گرفت. برای بررسی روایی سازه‌ها از آزمون تحلیل عاملی تأییدی و برای آزمون فرضیات از تحلیل مسیر استفاده شده است. این دو آزمون به طور همزمان در نرم افزار اسمارت پی ال اس^{۴۵} انجام شده است. برای روایی سازه متغیرهای مشاهده شده با بار عاملی کمتر از ۰/۵ حذف شده است. پایایی ترکیبی برای آزمون‌ها بالای ۰/۷ بوده است و آزمون روایی همگرا برای همه بالای ۰/۵ بوده به جز آگاهی فراشناختی که ۰/۳۷۵ به دست آمده است.

در نرم‌افزار اسمارت پی ال اس برای اعتبار مدل از اعتبار سازه استفاده می‌شود و این نرم‌افزار دارای ابزار مناسب برای اندازه‌گیری برازش مدل نیست ولی از آنجا که برای تحقیقات با حجم نمونه کم و داده‌های غیر نرمال مناسب است در این تحقیق از آن استفاده شده است.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- یافته‌های توصیفی

پاسخ‌دهندگان از نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مختلف بودند. ۳۹/۵ درصد پاسخ‌دهندگان زن و ۶۰/۵ درصد مرد بودند. ۴۷/۵ درصد دارای تحصیلات ارشد و ۵۲/۵ درصد دارای تحصیلات دکتری بودند. از میان پاسخ‌دهندگان بیش از ۶۰ درصد شاغل در شرکت‌ها بوده و حدود ۲۰ درصد بیکار بودند مابقی پاسخ‌دهندگان در رشته‌ی شغلی آموزشی قرار داشتند.

جدول ۲- خلاصه یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی متغیرهای مکنون ابعاد درک معنای ضمنی

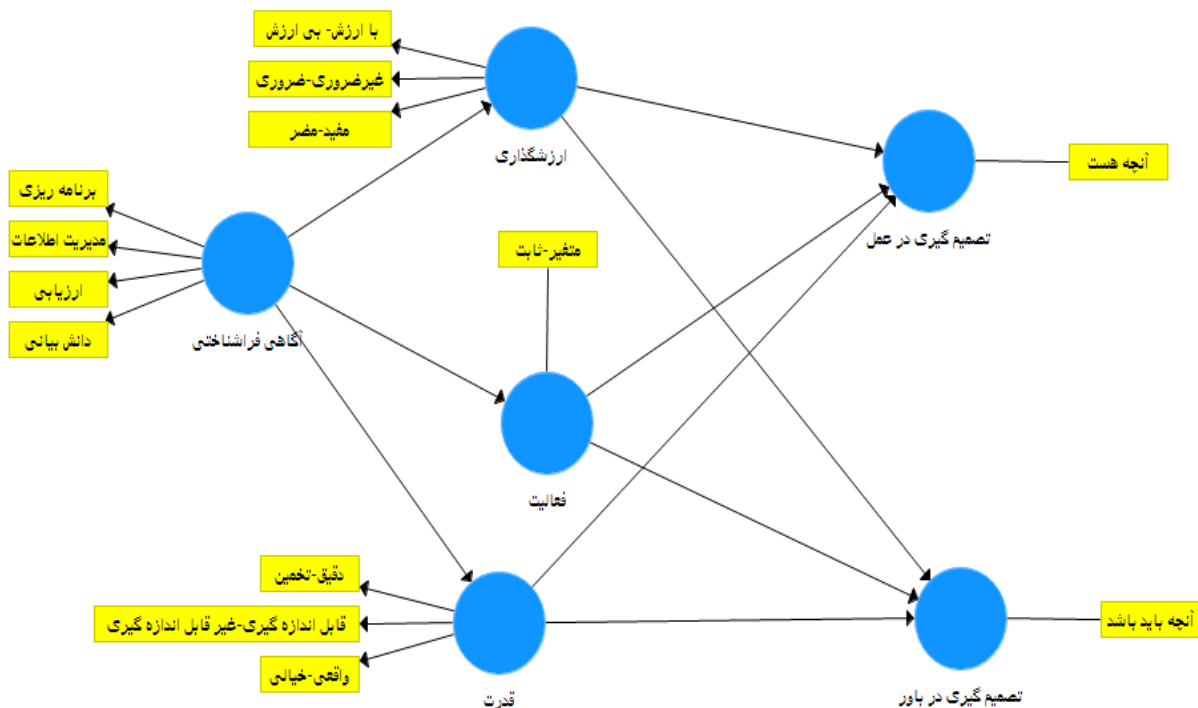
ابعاد درک معنای ضمنی		
بار عاملی	شاخص	بعد
۰/۷۹۰*	بازرزش - بی‌ارزش	ارزشگذاری
زیر ۰/۵	قوی - ضعیف	
زیر ۰/۵	ریسکی - مطمئن	
۰/۵۱۳*	غیرضروری - ضروری	
۰/۷۹۱*	مفید - مضر	فعالیت
زیر ۰/۵	موردانتظار - غیرمنتظره	
زیر ۰/۵	پویا - ایستا	
زیر ۰/۵	کوتاه‌مدت - بلندمدت	
زیر ۰/۵	انعطاف‌پذیر - انعطاف‌ناپذیر	قدرت
۱*	متغیر - ثابت	
۰/۸۴۴*	دقیق - تخمین	
۰/۹۰۳*	قابل‌اندازه‌گیری - غیرقابل‌اندازه‌گیری	
زیر ۰/۵	عینی - ذهنی	
۰/۶۹۱*	واقعی - خیالی	
زیر ۰/۵	نامشهود - مشهود	

* ارزش آماره T بالاتر از ۱/۹۶۵ است.

مؤلفه‌های دارای بارعاملی بالاتر از ۰/۵ برای ساختن سازه موردقبول واقع شده‌اند و به مؤلفه‌های دارای بارعاملی نزدیک به ۰/۵ در یافته‌ها و نتایج اشاره می‌شود.

- دانش بیانی، برنامه‌ریزی، نظارت از طریق مدیریت اطلاعات و ارزیابی از عوامل روا برای سازه‌ی فراشناخت هستند. دانش رویه‌ای و دانش شرطی دارای بارعاملی بیشتر از ۰/۴ هستند ولی چون کمتر از ۰/۵ بودند از سازه حذف شدند.
- طیف غیرضروری - ضروری، بی‌ارزش - باارزش و مفید - مضر از عوامل روا و مورد تأیید برای بعد ارزشی سازه‌ی درک معنای ضمنی هستند.
- طیف متغیر - ثابت از عوامل روا و مورد تأیید برای بعد فعالیت سازه‌ی درک معنای ضمنی است. طیف پویا - ایستا و انعطاف‌پذیر - انعطاف‌ناپذیر دارای بار بالای ۰/۴ بر روی این ابعاد هستند.
- طیف دقیق - تخمین، قابل‌اندازه‌گیری - غیرقابل‌اندازه‌گیری و واقعی - خیالی برای بعد قدرت سازه‌ی درک معنای ضمنی روا می‌باشند.

برای بررسی اعتبار سازه بوت استراپینگ نیز صورت گرفت. نتیجه‌ی آن نشان می‌داد که آماره‌ی T برای تمام عامل‌های با بارعاملی بالاتر از نیم بالاتر از ۱/۹۶۵ است.



نمودار ۱- مدل معادلات ساختاری

۳-۵- یافته‌های حاصل از آزمون فرضیات

جدول شماره ۳ نشان دهنده‌ی ضرایب مسیر می‌باشد. ضرایبی که آماره T آنها بالاتر از ۱/۹۶۵ است معنادار هستند. همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد فقط آماره T فرضیه ششم زیر ۱/۹۶۵ است و به همین علت فقط فرضیه ی ششم رد شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت به طور غیر مستقیم و از طریق تأثیر بر ابعاد درک معنای ضمنی امکان‌پذیر است. درک معنای ضمنی فرد از مفاهیم در سه بعد ارزشگذاری، قدرت و فعالیت جای می‌گیرد. همان‌طور که گفته شد هافتون (۱۹۸۸) و وبینگر و هولتوف (۲۰۱۳) در تحقیقات خود نشان دادند که ابعاد حسابداری از معنا مطابقت با ابعاد ارزشگذاری، قدرت و فعالیت دارد. طبقه بندی مفاهیم در این سه بعد هرچه سریع‌تر صورت گیرد، بازیابی آن روان‌تر خواهد بود. از طرفی واکوک و ورم (۱۹۹۷) معتقدند مفاهیم با دو هدف طبقه‌بندی و بازیابی می‌شوند: ۱- به دست آوردن منابع کمیاب و مطلوب ۲- گریز از خطر. هرچه درک از مفاهیم ارزشمندتر و فعال‌تر باشد گفته می‌شود که آن مفاهیم سریع‌تر در ذهن پردازش می‌شوند. این‌گونه طبقه‌بندی مفاهیم همانند برخورد با یک منبع کمیاب و ارزشمند است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که آن مفهوم با هدف به دست آوردن منبع مطلوب در حافظه جای گرفته است. هرچه بعد قدرت و فعالیت برای مفهوم معنادارتر باشد گفته می‌شود که آن مفهوم از طبقه‌ی گریز از خطر بازیابی می‌شود. اما با کم شدن بعد قدرت و بعد ارزشمندی سرعت پردازش کاهش می‌یابد. در این تحقیق تأثیر نوع طبقه‌بندی مفاهیم بر رفتار

تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت سنجیده شده است. در این تحقیق طبقه‌بندی ابعاد با هم در نظر گرفته نشده است، اما نشان داده شده که نوع طبقه‌بندی هر بعد بر رفتار تصمیم‌گیری تأثیر دارد.

از آنجا که ضریب مسیر بین بعد ارزشگذاری و رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل مثبت است و آماره‌ی T آن بالاتر از ۱/۹۶۵ است بنابراین بعد ارزشگذاری درک معنای ضمنی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل مؤثر است و این اثر مستقیم است یعنی اگر درک حسابداران مدیریت از مفاهیم حسابداری مدیریت مفید، بارز و ضروری در مقابل مضر، بی ارزش و غیرضروری باشد، رفتار تصمیم‌گیری آنها در باور و عمل به سمت رفتار علمی، آینده‌نگرانه و با به چالش کشیدن وضع موجود در حل مسائل حسابداری مدیریت گرایش خواهد داشت. می‌توان نتیجه گرفت با ایجاد چنین گرایشی در ذهن حسابداران مدیریت ایران می‌توان رفتار تصمیم‌گیری آنها را تغییر و بهبود بخشید. از طرفی ضریب مسیر بین آگاهی فراشناختی و بعد ارزشگذاری مثبت و آماره‌ی T آن بالاتر از ۱/۹۶۵ است بنابراین افزایش سطح آگاهی فراشناختی حسابداران مدیریت بر بعد ارزشگذاری درک معنای ضمنی مؤثر و با آن رابطه‌ی مستقیم دارد. به این معنا که افزایش سطح آگاهی فراشناختی درک حسابداران مدیریت از مفاهیم حسابداری مدیریت به سمت مفید، بارز و ضروری گرایش پیدا می‌کند. بنابراین افزایش سطح آگاهی فراشناختی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت به طور غیر مستقیم مؤثر است.

جدول ۳- خلاصه‌ی یافته‌های حاصل از آزمون فرضیات

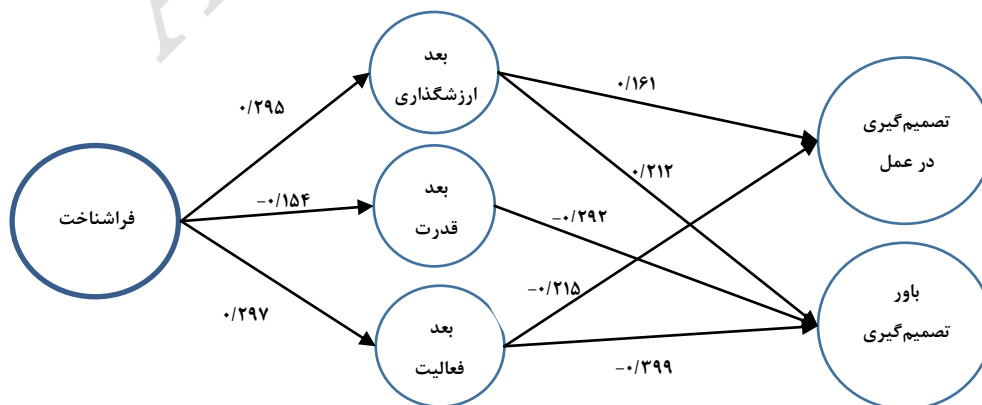
فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب مسیر	آماره T	نتیجه‌ی آزمون
۱	آگاهی فراشناختی	بعد ارزشگذاری	۰/۲۹۵	۱۱/۸۰۸	تأیید
۲	آگاهی فراشناختی	بعد فعالیت	-۰/۱۵۴	۳۰/۷۲۷	تأیید
۳	آگاهی فراشناختی	بعد قدرت	۰/۲۹۷	۱۴/۱۵۶	تأیید
۴	بعد ارزشگذاری	تصمیم‌گیری (آنچه هست)	۰/۱۶۱	۴۶/۸۳۶	تأیید
۵	بعد فعالیت	تصمیم‌گیری (آنچه هست)	-۰/۲۱۵	۱۳/۷۹۳	تأیید
۶	بعد قدرت	تصمیم‌گیری (آنچه هست)	۰/۰۰۲	۰/۱۹۶	رد
۷	بعد ارزشگذاری	تصمیم‌گیری (آنچه باید)	۰/۲۱۲	۲/۲۳۸	تأیید
۸	بعد فعالیت	تصمیم‌گیری (آنچه باید)	-۰/۳۹۹	۲/۶۵۲	تأیید
۹	بعد قدرت	تصمیم‌گیری (آنچه باید)	-۰/۲۹۲	۲/۵۰۷	تأیید

های آینده‌نگرانه با به چالش کشیدن وضع موجود و تولید ابزارهایی که امکان مدیریت تصمیم می‌دهند، مناسب‌تر است. از طرفی ضریب مسیر بین آگاهی فراشناختی و بعد قدرت مثبت و آماره‌ی T آن بالاتر از ۱/۹۶۵ است، بنابراین آگاهی فراشناختی با بعد قدرت رابطه‌ی مثبت و معنادار دارد. بدین معنا که اثر آگاهی فراشناختی به طور غیرمستقیم و از طریق اثر بر بعد قدرت بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت منفی است. آماره‌ی T برای ضریب مسیر بین بعد قدرت و رفتار تصمیم‌گیری در عمل کمتر از ۱/۹۶۵ است بنابراین بعد قدرت بر رفتار تصمیم‌گیری در عمل تأثیر معنادار ندارد. با وجود این بعد قدرت بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران-مدیریت در ایران تأثیر ندارد. می‌توان گفت که حسابداران-مدیریت ایران اگرچه در تئوری بر غیرقابل‌اندازه‌گیری، تخمینی و خیالی بودن مفاهیم حسابداری مدیریت عقیده دارند و این عقیده بر باور رفتار تصمیم‌گیری آنها اثر دارد اما در اجرای تصمیم خود در ایران برای مفاهیم حسابداری این ویژگی‌ها را مؤثر نمی‌دانند. علت این امر می‌تواند وابسته به دولت بودن شرکت‌های ایرانی و عدم رشد خصوصی‌سازی دانست.

از آنجا که بعد ارزشگذاری و فعالیت بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در عمل تأثیر دارد می‌توان گفت که زمانی که مفاهیم حسابداری به برای به دست آوردن منابع کمیاب و مطلوب در حافظه طبقه‌بندی شوند، بر رفتار تصمیم‌گیری آنها در عمل تأثیر مثبت دارد. بنابراین با افزایش سطح آگاهی فراشناختی حسابداران مدیریتی که مفاهیم تخصصی را برای به دست آوردن منبع کمیاب و مطلوب در حافظه‌ی خود جای داده‌اند، در زمان تصمیم‌گیری از آن طبقه آن را بازیابی می‌کنند. این حسابداران مدیریت در عمل ابزاری خلاقانه که مناسب محیط رقابتی و همواره در حال تغییر است را تهیه می‌کنند.

ضریب مسیر بین بعد فعالیت و رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل منفی است و آماره‌ی T آن بالاتر از ۱/۹۶۵ است پس بعد فعالیت درک معنای ضمنی بر باور رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت مؤثر و این رابطه منفی است. یعنی هرچه درک حسابداران مدیریت از مفاهیم حسابداری به سمت متغیر بودن در مقابل ثابت بودن باشد، عقیده به رفتار علمی، مدیریت تصمیم، ارائه‌ی راه‌حل آینده‌نگرانه و با به چالش کشیدن وضع موجود بیشتر خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت با ایجاد چنین گرایشی در ذهن حسابداران مدیریت ایران می‌توان رفتار تصمیم‌گیری آنها را تغییر و بهبود بخشید. از آنجا که ضریب مسیر بین آگاهی فراشناختی و بعد فعالیت منفی و آماره‌ی T آن بالاتر از ۱/۹۶۵ است بنابراین آگاهی فراشناختی بر بعد فعالیت درک معنای ضمنی تأثیر منفی دارد با افزایش سطح آگاهی فراشناختی درک حسابداران مدیریت به سمت متغیر بودن مفاهیم می‌رود. بنابراین با افزایش سطح آگاهی فراشناختی از طریق تأثیر بر بعد فعالیت باور حسابداران مدیریت به سمت رفتار تصمیم‌گیری علمی، مدیریت تصمیم و با به چالش کشیدن وضع موجود خواهد بود. بدین معنا که در بعد فعالیت نیز با افزایش سطح آگاهی فراشناختی بعد ذهنی و خلاقیت در رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت افزایش یافته و حسابداران مدیریت تبدیل به کارمندان توانمند برای سازمان می‌شوند.

ضریب مسیر بین بعد قدرت و باور رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت منفی است و آماره‌ی T آن بالاتر از ۱/۹۶۵ است، بنابراین بعد قدرت با باور رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت رابطه‌ی منفی دارد به این معنا که هرچه درک حسابداران مدیریت از مفاهیم به سمت تخمینی بودن در مقابل دقیق بودن، غیرقابل‌اندازه‌گیری بودن در مقابل قابل‌اندازه‌گیری بودن و خیالی بودن در مقابل واقعی بودن بیشتر باشد باور در حسابداران مدیریت این خواهد بود که انتخاب راه‌حل-



نمودار ۳- الگوی حاصل از آزمون فرضیات

توضیح اینکه بعد قدرت بر رفتار تصمیم‌گیری در عمل تأثیر معنادار ندارد. ضرایب مسیر در جدول شماره ۳ نیز آورده شده است.

۶- نتیجه‌گیری و بحث

در عصر حاضر سیستم‌های اطلاعاتی پشتیبان تصمیم‌گیری رشد چندانی نداشته است. این امر انگشت اتهام را به سمت حسابداران مدیریت به عنوان تصمیم‌سازان سازمان سوق می‌دهد. به غیر از عوامل ظاهری که می‌تواند بر تصمیم‌سازی حسابداران مدیریت مؤثر باشد، عوامل ذهنی و فردی نیز می‌توانند نقش بسیار مهمی در تصمیمات آنها داشته باشند. به این معنا که با تغییر عوامل ذهنی می‌توان رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت را تغییر و از این طریق زمینه را برای موفقیت سازمان ایجاد کرد. با وجود این به تحقیق بر روی چگونگی تأثیر عوامل شناختی و یادگیری بر تصمیمات حسابداران مدیریت که منجر به ابزارسازی توسط آنهاست کمتر پرداخته شده است.

اکنون تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت یک ابزار رقابتی در سازمان به شمار می‌رود. از آنجا که دانش رو به افزایش و تغییر است، حسابداران تازه‌وارد صرفاً با یادگیری یک سری تکنیک در حوزه‌ی حسابداری مدیریت نمی‌توانند به تصمیم‌گیرندگان توانمند و آینده‌نگر تبدیل شوند. حسابداران مدیریت توانمند باید توانایی مدیریت و ارزیابی دانش خود را داشته باشند. توانایی تصمیم‌گیری مناسب شرایط فراداینامیک به دیدگاه افراد از نوع مسئله و بینش آنها در استدلال و تصمیم‌گیری بستگی دارد. این دیدگاه و بینش متأثر از چگونگی درک و طبقه‌بندی اطلاعات توسط آنها است. همچنین در این تحقیق نشان داده شد که فراشناخت بر چگونگی درک و طبقه‌بندی اطلاعات مؤثر است.

هدف این تحقیق شناخت عوامل ذهنی مؤثر بر توانمندسازی رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل بوده است. به این منظور تأثیر فراشناخت بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت به عنوان متغیر مستقل و ابعاد درک معنای ضمنی به عنوان متغیرهای میانجی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل مورد آزمون قرار گرفته است.

نتایج این تحقیق شواهد تجربی مبنی بر تأثیر آگاهی فراشناختی بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت در باور و عمل از طریق تأثیرگذاری بر ابعاد درک معنای ضمنی آنها ارائه می‌دهد. دانش بیانی، برنامه‌ریزی، نظارت از طریق مدیریت اطلاعات و برنامه‌ریزی از قوی‌ترین عوامل سازه‌ی فراشناخت و

مؤثر بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت از طریق تأثیر بر ابعاد درک معنای ضمنی بودند. بنابراین نتایج این تحقیق مؤید تحقیقات قبلی مبنی بر رابطه‌ی دانش رسمی بر درک معنای ضمنی حسابداران مدیریت بوده است (ویبنگر و هولتف، ۲۰۱۳).

فراشناخت شناخت فرد از شناخت خودش و برنامه‌ریزی، نظارت و کنترل بر روی آن می‌باشد. بنابراین نتایج این تحقیق مؤید تحقیق ویبنگر و هولتف (۲۰۱۳) مبنی بر رابطه‌ی شناخت با درک معنای ضمنی حسابداران مدیریت است. و نیز یافته‌های این تحقیق مؤید نظریه‌ی نسبیت‌گرایی زبان‌شناختی سایپر وورف می‌باشد. این نظریه بیان می‌دارد که زبان نه تنها نمایش‌دهنده‌ی واقعیت بلکه ابزاری برای درک واقعیت است (بلکوبی، ۱۹۸۷).

حسابداران مدیریت آینده‌نگر، علمی و آنها که وضع موجود را به چالش می‌کشند و ابزاری بدیع با در نظر گرفتن عامل ذهنی برای مدیریت تصمیم می‌سازند در مقایسه با حسابداران-مدیریت گذشته‌نگر با مدیریت کنترلی در چگونگی طبقه‌بندی مفاهیم متفاوت هستند. این ابعاد و چگونگی طبقه‌بندی مفاهیم در آنها متأثر از توانایی یادگیری این افراد و توانایی کنترل یادگیری آنها می‌باشد. شواهد نشان می‌دهد که حسابداران مدیریت که مفاهیم تخصصی را با هدف دستیابی به منابع کمیاب و مطلوب طبقه‌بندی می‌کنند، در عمل با ابزارسازی آینده‌نگرانه و علمی خود رفتار تصمیم‌گیری مناسب محیط رقابتی از خود نشان می‌دهند. با توجه به آنچه گفته شد باید به چگونگی یادگیری حسابداری مدیریت توجه بیشتری کرد. آموزش تکنیک‌های یادگیری و آگاه کردن آموزنده‌ی حسابداری مدیریت از انواع شناخت، شناخت خود، چگونگی برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی آن برای توانمندسازی حسابداران مدیریت اهمیت دارد.

نتایج این پژوهش به ضرورت شناخت فرد از یادگیری خود و توانایی برنامه‌ریزی و نظارت بر آن برای توانمندسازی رفتار تصمیم‌گیری او در محیط رقابتی پرداخته است. با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌شود آموزش تکنیک‌های کنترل و نظارت بر یادگیری در حسابداری مدیریت برای تربیت حسابدارانی که راه‌حل‌های آینده‌نگرانه و مبتنی بر مدیریت تصمیم را مورد توجه قرار می‌دهند صورت بگیرد. به این معنا که آموزش تکنیک‌های حسابداری مدیریت به تنهایی نمی‌تواند حسابداران خلاق و توانمند برای محیط رقابتی به وجود بیاورد. بنابراین آشنا کردن حسابداران مدیریت با شناخت خود، شناخت دیگران و آموزش برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی شناخت خود از ضروریات آموزش می‌باشد.

- * تمایلات فراشناختی : ارائه مدلی یکپارچه در تصمیم‌گیری، روان‌شناسی تربیتی (روانشناسی و علوم تربیتی) : بهار ۱۳۹۲، دوره ۹، شماره ۲۷، صص. ۶۷-۹۵.
- * رستمی، فرحناز و علی‌آبادی، وحید. (۱۳۹۳). تأثیر راهبردهای یادگیری پیشرفت تحصیلی دانشجویان کشاورزی بینی‌انگیزی پیشرفت تحصیلی دانشجویان کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه، فصل‌نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۶، شماره ۳۰، صص. ۶۷-۷۶.
- * سعید، نسیم، زارع، حسین، موسی‌پور، نعمت‌الله، سمدی، محمدرضا، و هرمزی، محمود (۱۳۸۹). فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۸، صص. ۷۳-۹۶.
- * صمصام‌شریعت، سید محمد رضا و رنجبرکهن، زهره. (۱۳۹۲). تحلیلی بر فراشناخت: بررسی دیدگاه‌ها و پژوهش‌ها، چشم‌انداز امین در روانشناسی کاربردی، سال اول-شماره ۱(۱)، صص ۱-۲۴.
- * مهدیانی، عارفه؛ سعید رجائی پور و یاسمین عابدینی. (۱۳۹۲). رابطه مؤلفه فراشناخت و قوف شناختی و سبک تصمیم‌گیری عقلایی در مدیران دانشگاه اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، چالش‌ها و راهکارها، شیراز، http://www.civilica.com/Paper-ICMM01-ICMM01_0561.html
- * نیکومرام، هاشم و محمودی، محمد. (۱۳۹۱). سنجش تاثیر سیستم اطلاعات حسابداری مدیریت مبتنی بر پشتیبانی تصمیم و هوش، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره سیزدهم، صص. ۴۷-۶۵.
- * وکیلی‌فرد، حمیدرضا و وکیلی‌فرد، مسعود. (۱۳۸۹). مدیریت مالی (جلد اول). چاپ هشتم، انتشارات جنگل.
- * هوشمندجا، منیجه، جوانمرد، علی و مرعشی، سید منصور. (۱۳۹۳). بررسی رابطه خودکارآمدی و راهبردهای شناختی-فراشناختی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه عشایر، نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، جلد ۸، شماره ۳، صص. ۱۷۱-۱۸۱.

- * Abdel-Kader, M. and Luther, R. (2006). IFAC's Conception of the evolution of management accounting, *Advances in management accounting*, Vol. 15, pp.229-247
- * Batha, K., & Carroll, M. (2007). Metacognitive training aids decision making. *Australian Journal of Psychology*, 59(2), 64-69. <http://dx.doi.org/10.1080/00049530601148371>
- * Belkaoui, A. (1978). Linguistic relativity in accounting. *Accounting, Organizations and Society*, 3, 97-104

تحقیقات گذشته به تفاوت درک معنای ضمنی در حسابداران مدیریت پرداخته بود. در این تحقیق به نقش آموزش و تأثیر آن بر درک معنای ضمنی حسابداران مدیریت پرداخته شد. ضروری است که در نظر داشته باشیم تنها شناخت معنای صریح اصطلاحات حسابداری مدیریت بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران مدیریت مؤثر نیست. بلکه چگونگی درک معنای ضمنی اصطلاحات و چگونگی طبقه‌بندی آنها در ذهن حسابداران مدیریت بر رفتار تصمیم‌گیری آنها در باور و عمل مؤثر است. بنابراین برای تصمیم‌گیری و تکنیک‌سازی مناسب حسابداران مدیریت در محیط رقابتی ضروری است به امر آموزش حسابداران و فرآیند یادگیری آنها در تحقیقات آتی توجه شود.

از آنجا که کیفیت تصمیم یک ابزار مهم برای رقابت سازمانی به شمار می‌رود پیشنهاد می‌شود تأثیر روش‌های یادگیری و انواع شناخت بر رفتار تصمیم‌گیری حسابداران-مدیریت سنجیده شود. این تحقیق در محیط ایران انجام شده است. پیشنهاد می‌شود که تحقیق در محیط کشورهای توسعه یافته انجام شود. در این تحقیق به دلیل محدودیت و عدم همکاری مؤسسات مطالعه بر روی دانشجویان دکتری تخصصی و ارشد صورت گرفت. پیشنهاد می‌شود که تحقیق در این زمینه در محیط واقعی و بازار در جایی که امکان آن وجود دارد، صورت بگیرد. همچنین تأثیر فراشناخت بر نحوه تصمیم‌گیری حسابداران مالی، حسابداران مالیاتی و حسابرسان که عنوان شغلی آنها در ایران وجود دارد و دسترسی به آنها به مراتب ساده‌تر است پیشنهاد می‌شود.

داشتن آگاهی از مهارت یادگیری و کنترل و ارزیابی یادگیری یک عامل مهم برای بقا و پیشرفت در محیط همواره در حال تغییر است. شرکت‌ها در این محیط نیازمند تصمیم‌گیرندگانی هستند که مسئله را درک می‌کنند و بر اساس آن تصمیم خود را اجرایی می‌کنند. آگاهی فراشناختی می‌تواند حسابداران مدیریت را به تصمیم‌گیرندگان و کارمندان توانمند در سازمان تبدیل کند.

فهرست منابع

- * ایمانی، محمدتقی. آذرخش، تقی و اسماعیل‌تبار، مهدی. (۱۳۸۳). مدیریت از آغاز تا پست مدرن، چاپ اول، انتشارات فرهنگ سبز، ص ۲۰۹
- * پارسائیان، علی. (۱۳۹۱). تئوری‌های حسابداری، انتشارات ترمه، چاپ دوم
- * جوکار و رحیمی. (۱۳۹۲). اثر هیجان خشم و سبک‌های شناختی بر فرآیند تصمیم‌گیری با واسطه‌گری

- * Houghton, K. (1987a). True and fair view: An empirical study of connotative meaning. *Accounting, Organizations And Society*, 12(2), 143-152. [http://dx.doi.org/10.1016/0361-3682\(87\)90003-1](http://dx.doi.org/10.1016/0361-3682(87)90003-1)
- * Houghton, K. (1987b). The Development of Meaning in Accounting: An Intertemporal Study. *Accounting & Finance*, 27(2), 25-40. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1467-629x.1987.tb00085.x>
- * Jones, T.C., Dugdale, D., (2002). The ABC bandwagon and the juggernaut of modernity. *Accounting Organization. Society* 27, 121-163.
- * Miller, P., (1991). Accounting innovation beyond the enterprise: problematizing investment decisions and programming economic growth in the U.K. in the 1960s. *Acc. Organ. Society* 16, 733-762.
- * Mouritsen, J., Larsen, H., Bukh, P., (2001). Intellectual capital and the capable firm: narrating, visualising and numbering for managing knowledge. *Acc. Organ. Society* 26, 735-762.
- * Oliver, B. L. (1974). The semantic differential: A device for measuring the interprofessional communication of selected accounting concepts. *Journal of Accounting Research*, 12, 299-316.
- * Osgood, C. E., Suci, G. J., & Tannenbaum, P. H. (1967). *The measurement of meaning*. Urbana: University of Illinois Press.
- * Peña, A., Kayashima, M., Mizoguchi, R., & Dominguez, R. (2011). Improving Students' Metacognitive Skills within Intelligent Educational Systems: A Review. *Foundations Of Augmented Cognition. Directing The Future of Adaptive Systems*, 442-451. http://dx.doi.org/10.1007/978-3-642-21852-1_51
- * Peterson, D., Kim, C., Kim, J., & Tamura, T. (2002). The perceptions of information systems designers from the United States, Japan, and Korea on success and failure factors. *International Journal of Information Management*, 22(6), 421-439. [http://dx.doi.org/10.1016/s0268-4012\(02\)00033-6](http://dx.doi.org/10.1016/s0268-4012(02)00033-6)
- * Preiss, D., Cosmelli, D., Grau, V. and Ortiz, D. (2016). Examining the influence of mind wandering and metacognition on creativity in university and vocational students. *Learning and Individual Differences*, 51, pp.417-426.
- * Rahnamay Roodposhti, F., & Shariati, M. (2012). Management accounting research methodologies: searching for the bests. *Ijfaes.srbiau.ac.ir*. Retrieved 5 May 2017, from http://ijfaes.srbiau.ac.ir/article_9200_696.html
- * Schleifer, Lydia L. F. and Dull, Richard B. (2009); "MetaCognition and Performance in the Accounting Classroom"; *Issues in Accounting Education*, Vol. 24, No.3, pp. 339-367.
- * Schraw, G. & Dennison, R.S. (1994). Assessing metacognitive awareness. *Contemporary Educational Psychology*, 19, 460-475.
- * Shah, R., Ward, P.T., (2003). Lean manufacturing: context, practice bundles, and performance. *Journal of Operations Management*. 21 (2), 129-149.
- * Stanovich, K. E., & West, R. F. (2007). Natural myside bias is independent of cognitive ability. *Thinking & Reasoning*, 13, 225-247.
- * Bransford, J. D., Brown, A. L. & Cocking, A. R., editors (2000). [How people learn: Brain, mind, experience, and school](http://dx.doi.org/10.1016/0361-3682(00)00020-9). National Research Council, National Academy Press, Washington, DC, p.281.
- * Briers, M., Chua, W.F., (2002). The role of actor-networks and boundary objects in management accounting change: a field study of an implementation of activity-based costing. *Acc. Organ. Society* 26, 237-269.
- * Bruning, Q. H., Schraw, G. J, Norby, N. M. and Rohning, R. R. (2001); *Cognitive Psychology and Instruction*, Upper Saddle River, N.J.: Pearson/Merrill/Prentice Hall.
- * Chase, W.G. and Simon, H.A. (1973). The mind's eye in chess. In *Visual Information Processing*, ed. W.G. Chase. pp. 215-281. Academic Press, New York.
- * Chi, M., Feltowich, P. and Glaser, R. (1981). Categorisation and representation of physics problems by expert and novices. *Cognitive Science* 5, 121-152.
- * Collins, L., Carson, H. and Collins, D. (2016). Metacognition and Professional Judgment and Decision Making in Coaching: Importance, Application and Evaluation. *International Sport Coaching Journal*, 3(3), pp.355-361.
- * Cua, K.O., McKone, K.E., Schroeder, R.G., (2001). Relationships between implementation of TQM, JIT, and TPM and manufacturing performance. *Journal of Operation Management* 19 (6), 675-694.
- * Flamholtz, E., & Cook, E. (1978). Connotative meaning and its role in accounting change: A field study. *Accounting, Organizations and Society*, 3, 115-139.
- * Flavell, J. H. 1979. Metacognition and cognitive monitoring: A new area of cognitive-developmental inquiry. *American Psychologist*, 34(10), 906-911
- * Forza, C., (1996). Work organization in lean production and traditional plants: what are the differences? *International Journal of Operation & Production Management*. 16(2), 42-62.
- * Grimaldi, P., Lau, H. and Basso, M. (2015). There are things that we know that we know, and there are things that we do not know we do not know: Confidence in decision-making. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, 55, pp.88-97.
- * Haried, A. A. (1972). The semantic dimensions of financial statements. *Journal of Accounting Research*, 10, 376-391.
- * Haried, A. A. (1973). Measurement of meaning in financial reports. *Journal of Accounting Research*, 11, 117-145.
- * Hauser, T., Allen, M., Rees, G. and Dolan, R. (2017). Metacognitive impairments extend perceptual decision making weaknesses in compulsivity. *Scientific Reports*, 7(1).
- * Hronsky, J., & Houghton, K. (2001). The meaning of a defined accounting concept: regulatory changes and the effect on auditor decision making. *Accounting, Organizations And Society*, 26(2), 123-139. [http://dx.doi.org/10.1016/s0361-3682\(00\)00020-9](http://dx.doi.org/10.1016/s0361-3682(00)00020-9)

یادداشت‌ها

- ¹ Haried
- ² Oliver
- ³ Cua et al
- ⁴ Forza
- ⁵ Shah & Ward
- ⁶ Tillema & Van der Steen
- ⁷ Shleifer and Dull
- ⁸ Abdel- Kader
- ⁹ Luther
- ¹⁰ Grimaldi, Lau, Basso
- ¹¹ Collins, Carson and Collins
- ¹² Weibenberger & Holthoff
- ¹³ Hronsky & Houghton
- ¹⁴ International Federation of Accountants
- ¹⁵ Rahnamay roodposhti & Shariati
- ¹⁶ Metacognition
- ¹⁷ Peterson, Kim, Kim & Tamura
- ¹⁸ Strl
- ¹⁹ John Flavell
- ²⁰ Peña, Kayashima, Mizoguchi & Dominguez
- ²¹ Bruning, Schraw & Rohning
- ²² Briers and Chua
- ²³ Jones and Dugdale
- ²⁴ Miller
- ²⁵ Mouritsen et al
- ²⁶ Hauser et al
- ²⁷ Batha & Carol
- ²⁸ Bransford, Brown & Cocking
- ²⁹ Vakoch & Wurm
- ³⁰ Weibenberger & Holthoff
- ³¹ Houghton
- ³² Hronsky & Houghton
- ³³ Flamholtz & Cook
- ³⁴ Contingency Theory
- ³⁵ AICPA (American Institute of Certified Public Accountants)
- ³⁶ AACSB (Association to Advance Collegiate Schools of Business)
- ³⁷ Weibenberger & Holthoff
- ³⁸ Preiss et al
- ³⁹ Stanovich & West
- ⁴⁰ Schraw & Dennison
- ⁴¹ Osgood et al
- ⁴² flipped
- ⁴³ Excell
- ⁴⁴ SPSS
- ⁴⁵ SmartPLS

- * Strle, T. (2012). Metacognition and Decision Making: between First and Third Person Perspective. *Interdisciplinary Description of Complex Systems*, 10(3), 284-297. <http://dx.doi.org/10.7906/indecs.10.3.6>
- * Tillema, S., & van der Steen, M. (2015). Co-existing concepts of management control. *Management Accounting Research*, 27, 67-83. <http://dx.doi.org/10.1016/j.mar.2015.01.002>
- * Weibenberger, B.E. & Holthoff, G. J (2013). Cognitive style and connotative meaning in management accounting communication. *Management Control*, May 2013, Volume 24, Issue 1, pp 1-25
- * Vakoch, D. & Wurm, L. (1997). Emotional Connotation in Speech Perception: Semantic Associations in the General Lexicon. *Cognition & Emotion*, 11(4), 337-349. <http://dx.doi.org/10.1080/026999397379827>